

وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در استان مرکزی (با تأکید بر تکنیک تلفیق داده (IOM))

زهره شهبازی*، مهدی مبارکی**

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۸/۴

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۱۱/۱۸

چکیده

موضوع این مطالعه توسعه اجتماعی و هدف از انجام آن بررسی وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در استان مرکزی است. توسعه اجتماعی بیان‌گر کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن "اخلاق توسعه"، به‌ویژه، اخلاق توسعه اجتماعی، برای حصول به "همبستگی اجتماعی" و افزایش "کیفیت زندگی" در جهت بالا بردن "عدالت اجتماعی" و ارتقا "امنیت اجتماعی" است. روش تحقیق از نوع پیمایش توصیفی است. داده‌های تحقیق با استفاده از تکنیک تلفیق داده (IOM)، وزن داده شده و در محیط GIS به نمایش درآمدند. جامعه آماری شامل شهروندان بالای ۱۵ سال ساکن در مناطق شهری و روستایی استان مرکزی است؛ نمونه‌ای مشتمل بر ۱۳۰۰ نفر به روش نمونه‌گیری تصادفی طبقه‌بندی انتخاب شد. تکنیک جمع‌آوری اطلاعات، پرسشنامه محقق ساخته با ۱۳۴ سوال است. اعتبار این وسیله اندازه‌گیری به روش اعتبار محتوا و پایایی آن به روش آلفای کرونباخ در مرحله پیش‌مطالعه به‌دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که وضعیت شاخص‌های توسعه اجتماعی در استان مرکزی از حد متوسط رو به پایین تا متوسط رو به بالا در نوسان است.

کلیدواژه: توسعه اجتماعی، همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، تکنیک تلفیق داده، محیط GIS.

*. عضو هیأت علمی گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی (نویسنده مسئول)

shahbazi1450@yahoo.com

mobaraki.mhd@gmail.com

** عضو هیأت علمی گروه پژوهشی توسعه اجتماعی جهاد دانشگاهی واحد استان مرکزی

مقدمه

تجربه بیش از سه دهه برنامه‌ریزی در کشور و نتایج نه چندان چشمگیر در حوزه توسعه اجتماعی ضرورت تجدید نظر در استراتژی‌ها، اهداف، برنامه‌ها و روش‌های دستیابی به آن را دو چندان کرده است. بدون شک برای ارزیابی میزان تحقق اهداف و برنامه‌ها در حوزه توسعه اجتماعی ناگزیر به تعریف نشان‌گرهای عملیاتی هستیم تا دآوری‌ها در خلاء صورت نگیرد. باید اذعان نمود که بین شاخص کاربردی توسعه اجتماعی و نظام برنامه‌ریزی و توسعه کشور، ارتباط منطقی محدود و مبهمی وجود دارد.

واقعیت این است که حوزه تعاریف در ادبیات توسعه اجتماعی اجماع قابل استنادی ندارد. این مسأله در متون نظری و گزارش‌های معتبر تهیه شده در باب توسعه اجتماعی در سطوح بین‌المللی و ملی قابل ردیابی است. برای مثال، در راهبرد توسعه اجتماعی در خاورمیانه و شمال آفریقا در سال ۲۰۰۲، که زیر نظر جان کیت رنی^۱ کارشناس برجسته بانک جهانی و استاد سابق دانشگاه کالیفرنیا در لس‌آنجلس تدوین شده، آمده است: «توسعه اجتماعی دربرگیرنده بعدی از توسعه است که بر کنش‌ها و واکنش‌های انسانی، نهادها و روابط اجتماعی تاکید می‌ورزد و بر آنها تمرکز می‌کند» (پیران، ۱۳۸۲). تعریف دیگری از بانک جهانی، توسعه اجتماعی را فرایند ایجاد دگرگونی‌های بنیادی در ساختارها و روابط اجتماعی با انگیزه تحقق اهدافی همچون ادغام اجتماعی، انسجام اجتماعی و پاسخگو کردن کارگزاران، امکانات و سازمان‌های صاحب قدرت می‌داند (کلانتری، ۱۳۹۳: ۵). فرایند سازمان‌دهی انرژی‌ها و فعالیت‌های انسانی در بالاترین سطح با هدف دستیابی به نتایج بزرگ‌تر (جاکوب و کلوند، ۱۹۹۹)، رفاه افراد و کارکرد سازگار جوامع (سازمان ملل متحد، ۲۰۰۲)، جست‌وجوی بهبود و رفاه مادی و اجتماعی مردم (استس، ۲۰۰۱)، دسترسی به خدمات آموزشی، اشتغال، برنامه رفاه و تأمین اجتماعی، درآمد ملی، بهداشت و جمعیت (سند کپنهاگ، ۱۹۹۵) سرزندگی جامعه مدنی (جانستون، ۱۹۹۳: ۳)، مسئولیت‌پذیری (نانسی، ۲۰۰۰)، توانایی حل صلح‌آمیز تضادها (استیگلitz، ۱۹۹۹: ۹۱)، همه و همه، تعاریفی است که برای توسعه اجتماعی آورده شده است.

می‌توان این ادعا را در بحث توسعه اجتماعی در ایران، هم در مطالعات تئوریک، و هم در ابعاد مفهومی و تجربی، وارد دانست؛ چون اگر مفهومی واحد و یا واجد جنبه‌های مفهومی مشترک بر پایه بنیان‌های نظری مورد اجماع و معتبر، از این واژه استنباط می‌شد، حداقل شاهد آثار عینی از آن در عرصه علمی و عمومی جامعه می‌بودیم. بررسی منابع و آثار علمی و پژوهشی داخلی در این زمینه که به‌شکلی می‌توان غالب آنها را، فرموله‌نشده، ناقص و یا به‌شکلی توجیه‌کننده اطلاعات موجود، با نتایجی با روایی و اعتبار نامشخص دانست، پژوهش‌گر و خواننده را با این مسأله روبرو می‌سازد که گویی توسعه اجتماعی مابه‌ازای خارجی ندارد تا بتوان مصداقی عینی و واقعی از این مفهوم را در جامعه سراغ گرفت (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۱).

در بسیاری از مطالعات و پژوهش‌های انجام‌شده، برای سنجش توسعه اجتماعی، بدون در نظر گرفتن میزان اعتبار علمی و اجماع بر سر معرف‌ها یا متغیرهای آن، از معرف‌های پراکنده و فاقد انسجام درونی و بیرونی چون میزان شهرنشینی، سطح اشتغال زنان از کل اشتغال، میزان باسوادی، شمار دانش‌آموختگان در مراکز آموزش عالی نسبت به کل جمعیت، سرمایه اجتماعی، دسترسی به منابع و امکانات بهداشتی و درمانی، محیط زیست، حمایت‌های

1. Keith Rennie

2. Jacobs and Cleveland

3. UN

4. Estes

5. Johnston

6. Nancy

7. Stiglitz

اجتماعی و بیمه‌ها، جرایم و امنیت عمومی، توزیع درآمد و رفاه اقتصادی، برابری در برابر قانون، رعایت عملی حقوق اقلیت‌ها، توسعه مردم محور، شهروند محور و مشارکت محور، با تأکید بر جنبه‌های نرم‌افزاری بدون نفی اهمیت جنبه سخت‌افزاری، تفکیک‌یافتگی نظام تقسیم کار اجتماعی، بسط، تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای، میزان توسعه تشکلهای اجتماعی و مانند آن به عنوان شاخص‌های سنجش توسعه اجتماعی استفاده شده است (کلانتری، ۱۳۸۴؛ لشکری، ۱۳۷۸؛ نظری، ۱۳۷۷؛ بخارایی، ۱۳۸۰؛ شمعدانی حق، ۱۳۷۸؛ ریاحی، ۱۳۸۰؛ اکبری، ۱۳۸۰؛ اسماعیلی، ۱۳۸۵؛ پیران، ۱۳۸۲؛ تنهایی، ۱۳۸۱؛ عبداللهی، ۱۳۸۲).

به نظر می‌رسد برای حل این مشکل به انجام مطالعات نظری و کیفی نیازمند هستیم. به همین منظور در گام اول مطالعه‌ای با عنوان شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی، با تأکید بر تکنیک دلفی، در جهت دستیابی به توافق نظر صاحب‌نظران و متولیان امر اجتماعی در قالب سه شاخص اجماع، اهمیت و اولویت و با هدف برطرف کردن خلاءهای موجود در تعریف، شناسایی و سنجش ابعاد این مفهوم صورت گرفت که در آن توسعه اجتماعی بیان‌گر کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن "اخلاق توسعه"، به‌ویژه، اخلاق توسعه اجتماعی برای حصول به "همبستگی اجتماعی" و افزایش "کیفیت زندگی" در جهت بالا بردن "عدالت اجتماعی" و ارتقا ضریب "امنیت اجتماعی" می‌باشد (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹). به این ترتیب، با رسیدن به این اجماع، امکان اندازه‌گیری و ارزیابی توسعه‌یافتگی اجتماعی به صورت علمی و معتبر فراهم می‌شود و می‌توان در مواردی همچون استان مرکزی که با داشتن رتبه اول در تعدد و تراکم صنعتی، رتبه دوم به لحاظ وجود صنایع مادر در کل کشور، رده پنجم به لحاظ درجه رشد و توسعه اقتصادی (گزارش سازمان صنعت و معدن و تجارت استان) و رتبه نهم به لحاظ شاخص‌های فرهنگی و اجتماعی (کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴)، روند توسعه آن نامتوازن است، از این سازه برای دستیابی به وضعیت توسعه اجتماعی در استان، به تفکیک شهرستان‌های آن، استفاده کرد. چرا که وجود داده‌های مربوط به شاخص‌های توسعه اجتماعی در طول زمان‌های مختلف و تدوین سری‌های زمانی، نظارت بر پیشرفت‌های اجتماعی و تحلیل توزیع منافع توسعه را امکان‌پذیر می‌سازد. پس پرسش اصلی این است که وضعیت توسعه اجتماعی در استان مرکزی و سطح شهرستان‌های تابعه آن چگونه است؟

ادبیات نظری

به لحاظ نظری توسعه اجتماعی در منابع موجود با تعاریف و تعابیر متفاوتی به کار رفته است که معرف رویکردهای متفاوت چون رهیافت‌های عام و خاص، و همچنین، تقسیم‌بندی ایدئولوژیکی توسعه اجتماعی بر اساس دیدگاه‌های رفاه‌گرا و مارکسیستی است. برای مثال، نزد نظریه‌پردازان رفاه‌گرا، به اصل کلی توسعه اجتماعی در حرکت به سوی کیفیت زندگی بهتر، اعتقاد راسخ وجود دارد. از این دسته، وارنر^۱ (۱۹۵۸) معتقد است که توسعه اجتماعی عبارت است از امکانات زندگی مردم جامعه. ماکس وبر^۲ ضمن تبیین ارتباط میان توسعه اجتماعی با شانس زندگی، بر این نظر پافشاری می‌کند که شانس زندگی عبارت است از امکان دستیابی به شرایط زندگی مناسب‌تر و تجربیات زندگی شخصی بهتر. از سوی دیگر، میلز و گرت^۳، گستره زیادی برای مفهوم شانس زندگی قائل شده‌اند که شامل هر چیزی است که امکانات زندگی از یک سالگی تا شانس دیدن هنرهای زیبا، تندرستی، رشد و غیره را فراهم می‌کند (شمعدانی حق، ۱۳۷۸: ۲۵۱). در مقابل این نظر، دیدگاه‌های مارکسیستی بر ارزش‌های

1. Warner
2. Weber
3. Mills & Gareth

مبتنی بر مساوات اجتماعی در بحث توسعه اجتماعی تاکید کرده‌اند. دونگ کیم^۱، توسعه اجتماعی را درجه‌ای از ساختار اجتماعی می‌داند که به اکثریت مردم محروم جامعه نه تنها اجازه تقاضا برای برخورداری از منابع ملی را می‌دهد بلکه در جهت رسیدن به آن هدف، آنها را یاری می‌نماید. از نظر او، اگر تغییر ساختاری جامعه در مسیری باشد که فرصت‌های لازم را برای دستیابی توده محروم به سهم خود از منابع ملی در اختیار آنها قرار دهد، این مسیر، در اصل همان فرایند توسعه است. در واقع، فرایند توسعه اجتماعی از دیدگاه این رهیافت، فرایندی است در جامعه عاری از استعمار و استثمار خارجی (نظری، ۱۳۷۷: ۱۳۲). البته می‌توان به‌نحوی تخصصی‌تر از تقسیم‌بندی‌هایی که در رهیافت‌ها و مکاتب مختلف علوم اجتماعی در رابطه با مفهوم توسعه اجتماعی وجود دارند نیز بحث کرد از قبیل رهیافت وبری از توسعه اجتماعی (بلا،^۲ ۱۹۶۳؛ گیرتز،^۳ ۱۹۵۶)، رهیافت ساختی- کارکردی از توسعه اجتماعی (پارسونز، ۱۹۷۱؛ اسملسر؛ ایزنشتاد^۴ و مور^۵، رهیافت روان‌شناختی اجتماعی از توسعه اجتماعی (لرنر^۶، ۱۹۶۴؛ مک‌کله‌لند^۷، ۱۹۶۱؛ راجرز^۸، ۱۹۶۹) و نظرات فرانکفورتی‌ها از توسعه اجتماعی (آدورنو^۹، هورکهایمر^{۱۰} و مارکوزه^{۱۱}، ۱۹۶۵؛ و هابرماس^{۱۲}، ۱۹۷۹).

می‌توان گفت که اولین سند مهم سازمان ملل متحد در باب توسعه اجتماعی مربوط به گزارش گروهی از کارشناسان در مورد تعریف بین‌المللی و سنجش معیارها و سطوح توسعه اجتماعی- که در آن زمان سطوح زندگی نام‌گذاری شده بود- در سال ۱۹۵۴ است. این شاخص‌ها عبارت بودند از: (۱) بهداشت، شامل شرایط جمعیت (شناختی، ۲) غذا و تغذیه، (۳) آموزش و پرورش شامل مواد و مهارت آموزی، (۴) شرایط کار، (۵) وضعیت اشتغال، (۶) مصرف کل پس‌اندازها، (۷) حمل و نقل، (۸) مسکن شامل تسهیلات خانگی، (۹) پوشاک، (۱۰) تفریح و استراحت، (۱۱) امنیت اجتماعی و (۱۲) آزادی‌های بشری (زاهدی، ۱۳۸۶: ۲۵۷).

در گزارش توسعه اجتماعی سال ۲۰۰۶ سازمان ملل متحد، مطالعه‌ای در باب شاخص توسعه اجتماعی، با در نظرگرفتن شش بعد اصلی توسعه اجتماعی صورت پذیرفته است که تلاشی در جهت ایجاد یک شاخص توسعه اجتماعی مرکب به‌شمار می‌رود که در آن شاخص‌های دموگرافیک^{۱۳}، شاخص‌های مربوط به سلامت^{۱۴}، دسترسی به امکانات آموزشی^{۱۵}، سازگاری‌های زیربنایی^{۱۶}، محرومیت اقتصادی و اجتماعی^{۱۷} مد نظر قرار گرفته‌اند. این شاخص‌ها در دو نقطه زمانی میان سال‌های ۱۹۹۱ و ۲۰۰۱ و به‌صورت جداگانه برای هر کشور در نظر گرفته شده‌اند. لازم به ذکر است در مورد کشورهای بزرگ‌تر، با جمعیت بیش از پنج میلیون نفر، شاخص‌گذاری برای مناطق روستایی و شهری به‌صورت جداگانه انجام پذیرفته، درحالی‌که برای کشورهای کوچک‌تر یک شاخص

-
1. Dong kim
 2. Bellah
 3. Geertz
 4. Eisenstadt
 5. Moore
 6. Lerner
 7. McClelland
 8. Rogers
 9. Adorneo
 10. Horkhiamer
 11. Marcuse
 12. Habermas
 13. demographic parameters
 14. health indicators
 15. educational attainment
 16. basic amenities
 17. deprivation economic and social

مرکب منطقه‌ایی مورد استفاده قرار گرفته است.

جدول ۱. شاخص‌های معرف توسعه اجتماعی در گزارش توسعه انسانی

Sources	Indicators
NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets-2)-III(2005-06) State-wise Fact Sheets NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets and Sample Registration System (SRS; October 2006) for all smaller States.	۱- شاخص‌های دموگرافیک: (۱) نرخ غلبه CPR، (۲) نرخ کلی باروری، (۳) نرخ بقای نوزادان.
NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets	۲- شاخص‌های سلامت: (۱) درصد موالید رسمی، (۲) درصد سوء تغذیه کودکان
1)NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets 2)NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets 3) NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets 4) NFHS-III(2005-06) State-wise Fact Sheets	۳- شاخص سازگاری مبنایی: (۱) کودکانی که در پوکهاوس زندگی می‌کنند، (۲) درصد خانوارهایی که به آب قابل شرب دسترسی دارند، (۳) درصد خانوارهایی که از امکانات بهداشتی برخوردارند، (۴) درصد خانوارهایی که به برق دسترسی دارند.
1) National Sample Survey (NSS) 61st Round, Report No.516. (2005-06) 2)7th All India Education Survey (2002) 3) National Sample Survey (NSS) 61st Round, Report No.516. (2005-06)	۴- شاخص‌های دستیافته‌های آموزشی: (۱) میزان تحصیلات، (۲) نسبت معلم به شاگرد، (۳) میزان توجه به مدرسه (آموزش)
1) NSSO and National Sample Survey (NSS) 61st Round, Report No. 515 2) Sachar Committee Report, 2006	۵- شاخص محرومیت اقتصادی: (۱) نرخ بیکاری، (۲) نسبت جینی بر هر خرج کرد مصرفی سرمایه‌ایی
1) NSS 61st Round, Report No.516, Sachar Committee Report 2006 and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, 2006 2) NSS 61st Round, Report No.516, Sachar Committee Report 2006 and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, 2006 3) NSS 61st Round, Report No.516, Sachar Committee Report 2006 and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, 2006 4) NSS 61st Round, Report No.516, Sachar Committee Report 2006 and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, 2006 5) NSS 61st Round, Report No.516, Sachar Committee Report 2006 and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, 2006 6) NSS 61st Round, Report No.516, Sachar Committee Report 2006 and Office of Registrar General and Census Commissioner of India, 2006	۶- شاخص محرومیت اجتماعی: (۱) اختلاف سطح میان تحصیلات جمعیت کاسته برنامه‌ریزی شده و متوسط تحصیلات مردم، (۲) اختلاف سطح تحصیلات جمعیت قبیله‌ایی و تحصیلات متوسط مردم، (۳) اختلاف میان خرج کرد مصرفی سرمایه‌ایی ماهیانه مسلمانان نسبت به کل جمعیت، (۴) اختلاف سطح تحصیلات جمعیت زنان و متوسط تحصیلات کل جمعیت، (۵) اختلاف سطح نرخ بیکاری زنان نسبت به نرخ کلی بیکاری، (۶) نسبت جنسیتی کودکان

منبع: گزارش توسعه انسانی، ۲۰۰۸

از سوی دیگر، گروه کاری توسعه اجتماعی بانک جهانی به مفهوم توسعه اجتماعی از دو بعد نگریسته است: یکم) معنای مثبت: توسعه اجتماعی به زبانی ساده به شرایط زندگی مردم برمی‌گردد؛ سطح آموزش‌شان، کیفیت زندگی و ثبات و کیفیت روابط و نهادی‌شان. هدف این تعریف بیان باید‌ها نیست، بلکه تنها توصیف چیزهایی را که هست، در نظر دارد. دوم) معنای هنجاری: توسعه اجتماعی، اشاره ضمنی به اهداف اجتماعی دارد. برای مثال، در نشست

جهانی برای توسعه اجتماعی (WSSD) کشورها در بیانیه نهایی خود بر حمایت از سرمایه‌گذاری در کاهش فقر، توسعه منابع انسانی، اشتغال‌زایی دموکراسی، عدالت اجتماعی، خشونت‌زدایی و برابری تأکید ورزیدند. در نهایت در سه محور توافق حاصل شد: اول) مردم اهداف و ابزار توسعه هستند، چگونگی زندگی مردم معیار اثربخش بودن توسعه است و مشارکت و مسئول بودن در پیشگامی برای توسعه عوامل مهم در کامیابی آنهاست. دوم) ارتباطات، فرهنگ‌ها و نهادها سرمایه اجتماعی جامعه هستند. به سرمایه‌های فیزیکی و انسانی و مدیریت سرمایه طبیعی بسیار توجه شده است، اما باید سرمایه اجتماعی بیشتری برای توسعه، شناسایی و تقویت شود. سوم) مردم، نهادها و جامعه، انگیزه توسعه هستند. برای اطمینان از این که اهداف و سیاست‌ها ممکن و مؤثرند، باید زمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و نهادی را بهتر بفهمیم (بانک جهانی ۱۹۷۷؛ به نقل از کلانتونیو، ۱۳۹۳: ۵). همچنین، برخلاف جهت‌گیری‌های مرسوم سنتی از بعد اجتماعی توسعه، کلانتونیو^۱ (۲۰۰۸) توسعه اجتماعی را که وی از آن با عنوان پایداری اجتماعی یاد می‌کند، به معنای ارتقای کیفیت زندگی، توسعه منابع انسانی، تنوع فرهنگی، تحرک اجتماعی، همبستگی اجتماعی، مشارکت اجتماعی، ظرفیت‌سازی نهادی، امنیت اجتماعی، مسئولیت‌پذیری، تعلق خاطر مکانی، و در نهایت، توان‌مندی اجتماعات محلی برای غلبه بر چالش‌ها و مسائل درونی و واکنش بهینه در برابر تغییرات بیرونی به‌شمار می‌آورد و در جدولی این جهت‌گیری‌ها را با هم مقایسه می‌کند.

جدول ۲. ویژگی‌های شاخص‌های سنتی اجتماعی و شاخص‌های پایداری اجتماعی

جدید	مرسوم
تغییرات جمعیتی (سنی، مهاجرت و تحرک)	نیازهای اساسی (شامل: مسکن و سلامت محیطی)
انسجام و همبستگی اجتماعی	آموزش و مهارت
هویت، حس تعلق مکانی و فرهنگی	اشتغال
توان‌مندی، مشارکت، دسترسی	برابری
سلامت، امنیت	حقوق انسانی و جنسیتی
سرمایه اجتماعی	فقر
رفاه، کیفیت زندگی، رضایت‌مندی	عدالت اجتماعی

Source: Colantonio, A., 2008:8

در نهایت، در سطوح بین‌المللی در یک جمع‌بندی کلی از شاخص‌های ضریب تغییرات جمعیت (برایدن^۲، ۲۰۰۲)، بعد خانوار (مکلارن^۳، ۱۹۹۴)، تعلق خاطر مکانی (پپر دین^۴، ۲۰۰۲)، قابلیت دسترسی به زیرساخت‌های اجتماعی (کمیسون اروپا^۵، ۲۰۰۱)، شاخص فقر انسانی (برک^۶، ۲۰۰۰)، نسبت جنسی (هارت^۷، ۱۹۹۹)، نسبت متناظر خانوار به مسکن (هاینس^۸، ۱۹۹۹)، امنیت اجتماعی (پپر دین، ۲۰۰۲)، سلامت اجتماعی (ارتیز و ریتال^۱، ۲۰۰۹)، همبستگی

1. Colantonio
2. Bryden
3. Maclaren
4. Pepperdin
5. European Commission
6. Berck
7. Hart
8. Haynes

اجتماعی (بکلی^۲، ۱۹۹۵)، نسبت وابستگی (هاینس^۳، ۱۹۹۹)، ضریب دسترسی به اطلاعات و ارتباطات (کمیسون اروپا^۴، ۲۰۰۱) و... به‌عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی پایدار استفاده شده است.

در بررسی پژوهش‌ها و مطالعات داخلی در حوزه توسعه اجتماعی، به‌رغم خلاءها و کاستی‌ها، پژوهشی با عنوان «بررسی شاخص‌های توسعه اجتماعی و سطح‌بندی آن در شهرستان‌های استان اصفهان» با هدف سنجش درجه توسعه‌یافتگی اجتماعی شهرستان‌های استان اصفهان، با استفاده از روش پیمایشی توسط اسماعیلی (۱۳۸۵) صورت گرفته است که در آن شاخص توسعه اجتماعی صرفاً در ابعادی همچون رفاه اجتماعی و سرمایه اجتماعی مورد ارزیابی قرار گرفته است. ریاحی (۱۳۸۰) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «وضعیت فعلی شاخص‌های اجتماعی در روستاهای ایران» تلاش کرده است که بر اساس مبانی تئوریک و عملیاتی در حوزه کشورهای در حال رشد و توسعه (تجربه هندوستان در برنامه پنجم توسعه آن کشور و همچنین چارچوب نظری استفانیه) و همچنین با توجه به دوره‌های سرشماری نفوس و مسکن از دوره ۱۳۳۵ تا ۱۳۷۵، آن شاخص‌هایی را گزینش کند که هم آمارهای آن در سرشماری‌ها وجود داشته باشد و هم در سطح روستایی کل کشور قابل مطالعه باشند. این مطالعه به روش کتابخانه‌ای و اسنادی انجام گرفته است. در این مطالعه به شاخص‌های جمعیتی، شاخص‌های آموزشی و شاخص‌های اجتماعی و فرهنگی توجه شده است. در پژوهشی دیگر، لشکری (۱۳۷۸) در دو مطالعه مشابه و همسان، به شناسایی شاخص‌های رفاه اجتماعی و شاخص‌های توسعه اجتماعی پرداخته است. این محقق، عمده‌ترین شاخص‌های کمی توسعه اجتماعی را به (۱) سطح زندگی، (۲) سطح بهره‌وری، (۳) نرخ رشد جمعیت، (۴) نرخ بار تکفل، (۵) امید به زندگی در بدو تولد، (۶) نرخ باسوادی، (۷) نرخ مرگ و میر کودکان، (۸) توزیع درآمد، (۹) مشارکت در فعالیت‌های اجتماعی، (۱۰) نرخ پوشش انواع بیمه، (۱۱) منابع اجتماعی تولید کالا یا خدمات و (۱۲) نوآوری و خلاقیت، تقسیم‌بندی کرده است. همچنین، وی در تقسیم‌بندی شاخص‌های کیفی توسعه اجتماعی به شاخص‌هایی چون (۱) آزادی انتخاب در جامعه، (۲) آرمان‌های نوین‌سازی، (۳) خواست سیاسی، (۴) عزت نفس جامعه و (۵) ثبات و امنیت، اشاره کرده است. در نهایت، عمده‌ترین شاخص‌های منفی توسعه اجتماعی که در مطالعه وی مورد اشاره قرار گرفته اند عبارت‌اند از: (۱) تورم، (۲) سوء تغذیه، (۳) هزینه‌های اجتماعی تولید کالا یا خدمات، (۴) وجود انواع دوگانگی و (۵) نرخ بالای معلولیت. اکبری (۱۳۷۸) در مطالعه‌ای دیگر با عنوان «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی» بر اساس چارچوب و شاخص ارزیابی که درام‌گای (۱۳۷۷) در خصوص شاخص‌های اجتماعی ملل متحد ارائه کرده است با استفاده از روش آنالیز تاکسونومی (تحلیل عددی) یا روش طبقه‌بندی گروه‌های همگن، به مطالعه وضعیت توسعه اجتماعی در بین استان‌های کشور پرداخته است. بر این اساس، شاخص‌های (۱) امید به زندگی در هنگام تولد، (۲) نرخ مرگ و میر نوزادان، (۳) میانگین ملی تأمین مواد غذایی بر حسب کالری مورد نیاز سطح جزیی در مقایسه با مقدار برآوردشده کالری‌های مورد نیاز، (۴) نسبت کودکان ۵ تا ۱۴ ساله که در مدارس نام‌نویسی کرده‌اند، (۵) نسبت جمعیت با سواد بالاتر از یک سن خاص، کل این جمعیت و توزیع آن از لحاظ جنسیت، (۶) نسبت جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی ولی بدون شکل (درصد بیکاری)، (۷) نسبت درصد توزیع جمعیت فعال از لحاظ اقتصادی بر اساس طبقه‌بندی‌های اصلی صنعتی و شغلی و

1. Ortiz & Retal
2. Beckley
3. Haynes
4. European Commission

۸) مصرف فردی به صورت نسبی از درآمد ملی و شاخص ناشی از تغییرات آن به عنوان شاخص‌های توسعه اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند (اکبری، ۱۳۷۸: ۲۹). غفاری و امیدی (۱۳۸۸) نیز در کتابی با عنوان «کیفیت زندگی، شاخص توسعه اجتماعی» تلاش کرده‌اند که «سازه کیفیت زندگی را به عنوان شاخصی برای ارزیابی و جهت دادن به برنامه‌ها و سیاست‌های توسعه در سطوح مختلف و همچنین اصلاح و تقویت رویکردهای جدید توسعه با محوریت توسعه اجتماعی» مورد توجه قرار دهند.

مدل تحقیق

به جهت فرموله کردن ادبیات نظری، تعریف کاربردی و معیارهای سنجش توسعه اجتماعی در این مطالعه، از رویکردها و تئوری‌های موجود، جایگاه توسعه اجتماعی اسناد بالادستی و برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه، پژوهش‌ها و مطالعات داخلی و خارجی انجام شده در حوزه توسعه اجتماعی استفاده شد. بر اساس منطق شاخص‌سازی علمی برای دستیابی به ابعاد، خرده ابعاد و معرف‌های عملیاتی شاخص توسعه اجتماعی، و همچنین، به جهت رسیدن به اجماع نظر در بین صاحب‌نظران و متولیان اجتماعی، از تکنیک دلفی استفاده شد^۱ (آزاد ارمکی و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۹). در این مطالعه نیز ابعاد توسعه اجتماعی شامل همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، کیفیت زندگی، امنیت اجتماعی و اخلاق توسعه اجتماعی برشمرده شده است.

جدول ۳. ابعاد کاربردی توسعه اجتماعی استخراج شده از مطالعه دلفی

بعد	خرده ابعاد و معرف‌های عملیاتی
همبستگی اجتماعی (جاری بودن فرهنگ مدارا در جامعه)	هویت اجتماعی (دینی، ملی و منطقه‌ای)، سرمایه اجتماعی (اعتماد، مشارکت، حساسیت به سرنوشت)، مدارای اجتماعی (دینی، قومی، ملیتی)
عدالت اجتماعی (کاهش عدم تعادل‌ها و تبعیض‌ها بین افراد جامعه)	عدالت اجتماعی و فرهنگی، عدالت اقتصادی، عدالت آموزشی و بهداشتی، عدالت قضایی و حقوقی، عدالت جنسیتی
کیفیت زندگی	عدالت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، عدالت بهداشتی و آموزشی، عدالت حقوقی، امنیت اجتماعی (جانی، مالی، فکری و جمعی)، سرمایه اجتماعی، هویت (دینی، ملی و منطقه‌ای)، اخلاق شهروندی، اعتماد به نفس فرهنگی، احساس مسئولیت، تعاون و همکاری
امنیت اجتماعی	احساس امنیت ذهنی: امنیت جانی، امنیت مالی، امنیت فکری، امنیت جمعی
اخلاق توسعه اجتماعی (نقش و تأثیر نظام ارزشی و اخلاقی اعضای جامعه بر توسعه اجتماعی)	تقدیرگرایی، میل به پیشرفت، تعاون و همکاری، فرهنگ نوگرایی، احساس مسئولیت، اعتماد به نفس فرهنگی، فرهنگ یادگیری و اخلاق شهروندی

منبع: آزاد ارمکی و همکاران ۱۳۹۰

روش‌شناسی تحقیق

مطالعه حاضر از نوع تحقیقات همبستگی است که برای اجرای آن از دو روش معمول در تحقیقات جامعه‌شناسی، روش اسنادی و روش پیمایش استفاده شده است. در روش اسنادی، با مراجعه به نظریات و مطالعات انجام گرفته قبلی، چارچوب و مدل نظری، شاخص‌ها و ابعاد و معرف‌ها تدوین و نهایتاً گویه‌های پرسشنامه تنظیم شدند. جامعه

۱. حجم نمونه مطالعه (روش دلفی)، از ۳۰ نفر از صاحب‌نظران آکادمیک و متولیان اجرایی حوزه توسعه اجتماعی، که به شکل غیرتصادفی انتخاب شده‌اند، تشکیل شده است. در نهایت، بر اساس محاسبه شاخص‌های اجماع، اهمیت و اولویت در فرایند تکنیک دلفی، مفهوم توسعه اجتماعی با عنوان کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادهای تخصصی اخلاق توسعه، به ویژه، «اخلاق توسعه اجتماعی» برای حصول به «همبستگی (وفاق) اجتماعی» و «عدالت اجتماعی» در جهت بالا بردن «سطح کیفیت زندگی» و افزایش ضریب «امنیت اجتماعی» تعریف و تعبیر شد. نهایتاً توسعه اجتماعی بر اساس منطق علمی شاخص‌سازی، به ابعاد پنج‌گانه و همچنین خرده ابعاد مرتبط با آن، تقسیم‌بندی شد.

آماري این طرح شامل کلیه افراد ۱۵ سال به بالا، اعم از زن و مرد ساکن در استان مرکزی است. شمار آنها بر اساس نتایج سرشماری سال ۱۳۹۰ برابر با ۱۱۰۹۷۵۱ نفر است که از این تعداد ۵۶۱۴۰۹ نفر مرد و ۵۵۰۳۳۳ نفر زن می‌باشند (سالنامه آماری استان مرکزی، ۱۳۹۰). محدوده مکانی این تحقیق استان مرکزی و محدوده زمانی آن، سال ۱۳۹۲ است. روش نمونه‌گیری این تحقیق نیز تصادفی طبقه‌بندی شده بوده است. تعداد کل نمونه‌ها با در نظر گرفتن خطای نسبی تقریبی ۰/۰۵ برای برآورد نسبت حداقل برابر با ۰/۱ محاسبه شده و با استفاده از فرمول‌های انتساب متناسب و فرض ثابت بودن واریانس طبقات، تعداد نمونه در هر یک از طبقات به‌دست آمده و حجم نمونه محاسبه شده است. پس از آن داخل هر یک از طبقات، تعداد نمونه‌های هر شهرستان، متناسب با تعداد افراد (جمعیت) در هر شهرستان تعیین شده است. تعداد حجم نمونه برابر با ۱۳۰۰ مورد در نظر گرفته شد. به منظور انجام نمونه‌گیری دقیق با اخذ نسبت‌های مناطق شهری و روستایی، تعداد نمونه‌ای که می‌بایست از هر گروه اخذ شود (از نسبتی از ۱۳۰۰) معین شد تا احتمال انتخاب نمونه اریب (تورش) از بین برود. همچنین، برای جمع‌آوری داده‌ها از تکنیک پرسشنامه ساخت‌یافته استفاده شد و اعتبار آن از طریق اعتبار محتوا و پایایی آن از طریق روش آلفای کرونباخ مورد سنجش قرار گرفت. نتایج مربوط به آزمون روایی مقیاس‌ها در جدول شماره ۴ آورده شده است (پس از مرحله pre-test، در مرحله اجرا، پرسش‌هایی که ضریب آلفای آن‌ها از حد مورد قبول کم‌تر بود از پرسشنامه نهایی حذف شدند).

جدول ۴. ضریب روایی گویه‌های پرسشنامه مطالعه

متغیرها	پرسشنامه		متغیرها	پرسشنامه	
	تعداد گویه	ضریب روایی		تعداد گویه	ضریب روایی
هویت منطقه‌ای	۳	۰/۷۹۴	مدارای دینی	۳	۰/۷۳۴
هویت ملی	۵	۰/۷۶۱	مدارای قومی	۳	۰/۷۱۲
هویت دینی	۴	۰/۷۸۷	مدارای ملیتی	۳	۰/۶۸۶
هویت اجتماعی	۱۲	۰/۶۳	مدارای جنسیتی	۴	۰/۷۲۳
اعتماد اجتماعی	۹	۰/۸۳	مدارای سازمانی	۲	۰/۵۴۳
اعتماد سیاسی	۴	۰/۸۵۲	مدارای عقیدتی	۲	۰/۳۴
اعتماد نهادی	۲۴	۰/۹۳۱	مدارا	۱۷	۰/۶۲۱
مشارکت رسمی	۳	۰/۵۴۱	تقدیرگرایی	۴	۰/۷۹
مشارکت غیر رسمی	۲	۰/۵۶۱	میل به پیشرفت	۴	۰/۶۲۵
حساسیت به سرنوشت	۷	۰/۸۴۹	همکاری و تعاون	۳	۰/۶۸۳
سرمایه اجتماعی	۴۹	۰/۷۷۵	نوگرایی	۴	۰/۶۰۱
عدالت اقتصادی	۴	۰/۸۷	عدالت جنسیتی	۳	۰/۸۴۱
عدالت اجتماعی و فرهنگی	۶	۰/۹۱	عدالت قضایی و حقوقی	۴	۰/۹۱۵
عدالت آموزشی و بهداشتی	۴	۰/۸۶۷	عدالت اجتماعی	۲۱	۰/۹۵
امنیت اجتماعی	۷	۰/۹۱۱	فرهنگ یادگیری	۳	۰/۶۰۷
احساس مسئولیت	۴	۰/۶۹۶	شهروندی	۱۳	۰/۸۳۶
اعتماد به نفس فرهنگی	۳	۰/۶۷۱	اخلاق توسعه	۲۴	۰/۸۵۱
کیفیت زندگی	۷	۰/۸۳۲	همبستگی اجتماعی	۶۸	۰/۹۵

برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از نرم‌افزار SPSS استفاده و برای نمایش داده‌ها از دو نوع آمار توصیفی و استنباطی استفاده شد. در بخش آمار توصیفی، با استفاده از جداول تک‌بعدی به بررسی موقعیت و نظر هر یک از پاسخ‌گویان پرداخته شد و برای نمایش بهتر نیز از سنجه‌های گرایش مرکزی استفاده شده است، به این صورت که

داده‌های به‌دست‌آمده برای تک تک گویه‌های پرسشنامه به تفکیک شهرستان در بخش نتایج توصیفی آورده شد و جداول تقاطعی و فراوانی ترسیم گردید. در بخش آمار استنباطی، ابتدا از طریق آزمون کولموگروف اسمیرنوف، نرمال بودن توزیع داده‌ها آزمون شده و در ادامه، تعمیم و برآورد مشخصه‌ها و ویژگی‌های جامعه مورد مطالعه از روی نمونه مورد نظر صورت گرفت. سپس با توجه به اهداف مطالعه، برای پاسخگویی به سوالات تحقیق آزمون F-ANOVA، ضرایب و نمودارهای مربوطه به‌کار برده شده است. همچنین، برای وزن دادن به داده‌ها از تکنیک Index Overlay Model استفاده شده است. در این روش، هر نقشه دارای کلاس‌های مختلفی است که نمره‌های مختلفی دارند، این نمره‌ها در وزن مربوطه به صورت زیر ضرب می‌شوند و امتیاز میانگین وزن داده شده برای هر موضوع از این طریق محاسبه می‌شود:

$$S = \left(\sum_{i=1}^n S_{ij} W_i \right) / \left(\sum_{i=1}^n W_i \right)$$

سپس با همه نقشه‌های در حال ترکیب جمع می‌شوند، و در نهایت، به‌وسیله جمع اوزان (sum of the weights) نرمال می‌شود. در این معادله، S امتیاز وزن داده برای هر عارضه، W_i وزن i امین نقشه ورودی، S_{ij} امتیاز j امین نقشه و j مربوط به کلاسی است که در نقشه‌های موردنظر، امتیازدار و وزن‌دار می‌شوند (ملزوسکی^۱، ۲۰۰۶). در اینجا وزن مربوط به هر شاخص توسط محققان بر اساس مطالعه دلفی صورت‌گرفته بر مبنای سه شاخص اجماع، اهمیت و اولویت تعیین شد (رجوع کنید به زیرنویس صفحه ۴۶).

یافته‌های تحقیق

اصطلاح توسعه اجتماعی در منابع موجود با تعابیر و تعاریف متفاوتی به‌کار رفته است که می‌توان آن‌را به‌شکل کلی در دو رویکرد "عام" و "خاص" گنجانند. در رویکرد عام، توسعه اجتماعی مترادف با چیزی مشابه با توسعه ملی یا توسعه همه‌جانبه و متوازن است. در اینجا توسعه اجتماعی از توسعه غیراجتماعی یا فنی متمایز شده ولی با دیگر انواع توسعه، به‌ویژه، توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل پیدا کرده است. در رویکرد خاص، که به نوعی رویکرد حاکم بر این مطالعه است، مفهوم توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به‌کار رفته است که می‌توان آن‌را ناظر بر "اجتماع جامعه‌ای" به‌عنوان یکی از حوزه‌های چهارگانه حیات اجتماعی انسان در جامعه دانست که به معنی بسط و تعریض و تحکیم اجتماع جامعه‌ای است. در این مطالعه، توسعه اجتماعی به‌مثابه کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن "اخلاق توسعه"، به‌ویژه توسعه اجتماعی، برای حصول به "همبستگی و وفاق اجتماعی" و "عدالت اجتماعی" در جهت بالا بردن "سطح کیفیت زندگی" و افزایش "ضریب امنیت اجتماعی" در نظر گرفته شده است. در ادامه نتایج به‌دست‌آمده برای هر یک از این ابعاد بررسی می‌شود.

همبستگی (وفاق) اجتماعی: می‌توان همبستگی اجتماعی را یکی از عوامل اصلی در شکل‌گیری نظم اجتماعی دورنی (وفاقی) قلمداد کرد. به شکل کلی نظم اجتماعی به دو صورت مختلف طبقه‌بندی می‌شود. یکی نظم بیرونی یا نظم سیاسی و دیگری نظم درونی یا نظم وفاقی. در نظم سیاسی، نظم اجتماعی به‌صورت بیرونی و از بالا با

پشتوانه قدرت اعمال و مستقر می‌شود. در چنین نظامی، وفاق اجتماعی بسیار ضعیف و شکننده است. ثبات و تداوم نظم سیاسی بالقوه شکننده و محدود است. از سویی، در مقابل تحولات اقتصادی و سیاسی خارجی آسیب‌پذیر است و از سوی دیگر، تابعی از تغییر منظومه منافع سیاسی و اقتصادی داخلی است. چنین نظامی همیشه بالقوه با نوعی عدم مشروعیت مزمن و تشتت و گاه تناقص در هویت جمعی مواجه است (چلبی، ۱۳۸۵: ۱۵۳). بر خلاف نظم بیرونی، نظم درونی به علت وجود وفاق اجتماعی از موهبت اعتماد اجتماعی دوجانبه، تعهد درونی تعمیم‌یافته، مدارای اجتماعی، نوعی هویت و همدلی ملی و دینی باثبات، بهره‌مند است. سازگاری اجتماعی عمدتاً از نوع سازگاری درونی است. اعضای جامعه به صورت داوطلبانه و از روی احساس تکلیف انجام وظیفه می‌کنند. در نظامی که مبتنی بر وفاق اجتماعی تعمیم‌یافته باشد، اجتماع عام، انحصار منابع و پاداش‌های ارزش‌مند را اساساً خود در اختیار می‌گیرد، بنابراین، مرزهای اجتماعی بیشتر مسدودند و قدرت مانور نیروهای گریز از مرکز کم‌تر است (همان: ۱۵۵). بنابراین، می‌توان گفت وفاق اجتماعی عبارت است از توافق جمعی بر سر مجموعه‌ای از اصول و قواعد اجتماعی که در یک میدان تعاملی اجتماعی، که خود موجد مسئولیت‌پذیری و تعهد به حضور حداکثری در جامعه است، به وجود می‌آید. این عامل، هم‌زمان نتیجه و موجد توافق اجتماعی است (همان). برای پاسخ دادن به این پرسش که "وضعیت همبستگی اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی چگونه است؟" پس از ترکیب معرف‌های "هویت اجتماعی"، "مدارای اجتماعی" و "سرمایه اجتماعی" به عنوان معرف‌های عملیاتی تشکیل‌دهنده همبستگی اجتماعی و اندازه‌گیری هر یک از آنها، میزان همبستگی اجتماعی در بین شهروندان استان مرکزی در حد متوسط رو به بالا گزارش شد. همچنین، با توجه به نتایج، میانگین همبستگی اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی متفاوت است؛ به‌طوری که شهرستان خنداب با میانگین ۶۸/۲۵ و شهرستان فراهان با میانگین ۶۸/۲ در بین دوازده شهرستان از بیشترین میزان همبستگی اجتماعی برخوردارند و شهرستان تفرش با میانگین ۵۶/۲ کم‌ترین میزان همبستگی اجتماعی را در بین شهرستان‌های استان مرکزی به خود اختصاص داده است.

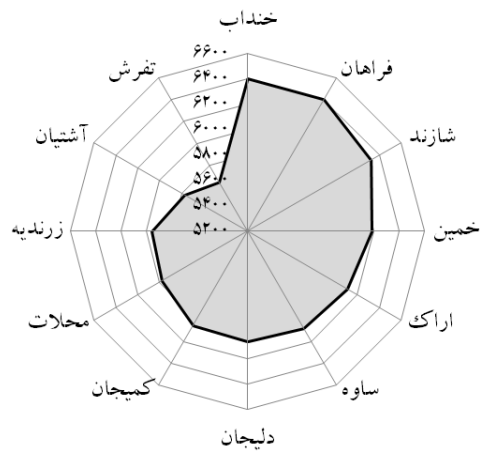
جدول ۵. توزیع بعد همبستگی اجتماعی و خرده ابعاد آن به تفکیک شهرستان

گروه‌ها/شهرستان‌ها	اراک	خمین	زرنديه	شازند	ساوه	آشتیان	تفرش	محلات	خنداب	دلیجان	کمیجان	فراهان
هویت اجتماعی	۷۳/۶	۷۵/۲	۷۰/۰	۶۹/۵	۷۲/۹	۷۰/۱	۷۵/۱	۷۲/۸	۸۰/۰۵	۷۰/۷۲	۷۵/۲	۷۷/۵۳
مدارای اجتماعی	۶۲/۱	۵۸/۸	۶۰/۸	۷۱/۸	۶۱/۸	۵۵/۹	۳۳/۶	۶۱/۵	۵۹/۸	۶۴/۸	۵۸/۷	۶۰/۶
سرمایه اجتماعی	۵۹/۳	۶۳/۶	۵۹/۶	۶۰/۸	۵۹/۷	۵۸/۶	۵۹/۸	۵۶/۹	۶۴/۹	۵۸/۴	۶۳/۶	۶۶/۴
همبستگی اجتماعی	۶۵/۱	۶۵/۸	۶۳/۵	۶۷/۴	۶۴/۸	۶۱/۵	۵۶/۲	۶۳/۷	۶۸/۲۵	۶۴/۶	۶۴/۵	۶۸/۲

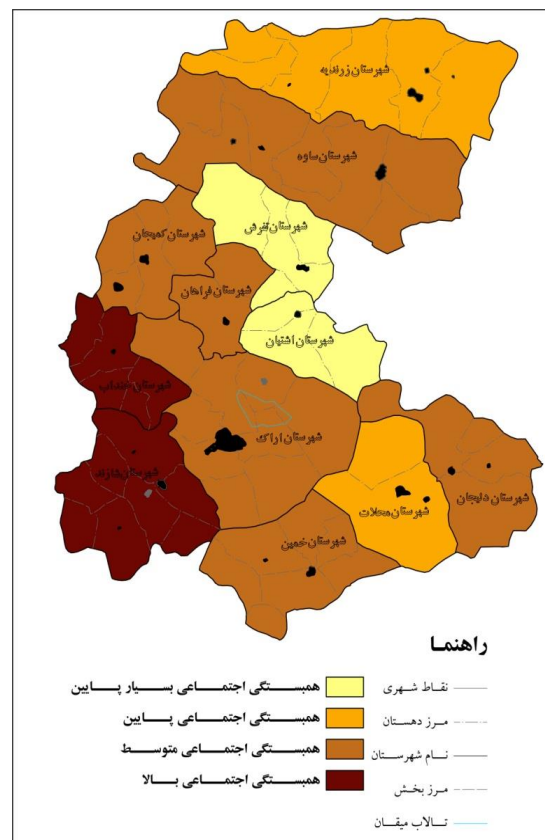
همچنین به استناد جدول شماره ۶ و نمودار مربوطه و با توجه به اعمال ضریب بعد همبستگی اجتماعی (به‌دست‌آمده از مطالعه دلفی) که معادل ۹۳/۸۳ است، میانگین امتیاز همبستگی اجتماعی استان، ۶۰۶۵ محاسبه شده که توزیع آن در شهرستان‌های استان مرکزی در بازه ۶۴۰۴-۵۶۴۹ قرار گرفته است. اطلاعات بیشتر به تفصیل در جدول، نمودار و نقشه مربوط به بعد همبستگی اجتماعی آورده شده است.

جدول ۶. امتیاز میانگین همبستگی اجتماعی به تفکیک شهرستان

ردیف	شهرستان	میانگین	امتیاز
۱	خنداب	۶۸/۲۵	۶۴۰۴
۲	فراهان	۶۸/۲۲	۶۴۰۱
۳	شازند	۶۷/۳۹	۶۳۲۳
۴	خمین	۶۵/۸۵	۶۱۷۹
۵	اراک	۶۵/۰۸	۶۱۰۶
۶	ساوه	۶۴/۸۱	۶۰۸۱
۷	دلیجان	۶۴/۶۵	۶۰۶۶
۸	کمپجان	۶۴/۵۴	۶۰۶۵
۹	محلات	۶۳/۷۲	۵۹۷۹
۱۰	زرنده	۶۳/۴۷	۵۹۵۵
۱۱	آشتیان	۶۱/۵۴	۵۷۷۴
۱۲	تفرش	۶۰/۲۰	۵۶۴۹
۱۳	کل	۶۴/۶۶	۶۰۶۵



نمودار ۱. همبستگی اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی



نقشه ۱. توزیع همبستگی اجتماعی در استان مرکزی

عدالت اجتماعی: در اندیشه‌های سیاسی و اجتماعی، تمایز روشنی میان برابری و ایده‌هایی مانند مشابهت و همانندی و مانند آن ایجاد شده است. اگرچه منتقدان عدالت یا برابری گاهی اوقات کوشیده‌اند برای ساده‌سازی، برابری را همانندی و مشابهت بدانند اما هیچ اندیشمند سیاسی- اجتماعی به‌طور جدی از برابری مطلق در برابر همه چیز دفاع نکرده است. در واقع، برابری طلبان، پذیرای ویژه بودن هر انسانی هستند و شاید معترف به این امر نیز باشند که مردم با استعدادها، مهارت‌ها و گرایش‌ها گوناگونی به دنیا آمده‌اند. اما هدف آنها ایجاد شرایط قانونی، سیاسی و اجتماعی است که در آن با همه مردم به‌طور برابر رفتار شده و بدین‌سان بتوانند از زندگی خود راضی باشند. از دیدگاه کسانی که در طیف سیاسی چپ قرار می‌گیرند سیاست‌های اجتماعی در شرایط ایده‌آل، ابزارها یا سازوکارهایی هستند برای ایجاد جامعه‌ای عادلانه‌تر از طریق برابرسازی استفاده از خدمات بهداشتی، آموزشی و نظایر آن؛ اما از دیدگاه کسانی که در سمت راست و مرکز طیف‌های سیاسی قرار می‌گیرند، خط مشی‌هایی که نتیجه آن برقراری برابری برای تمام مردم خواهد بود، هزینه گزافی در بر دارد. این خط مشی‌ها با تأثیری که بر کاهش انگیزه رشد اقتصادی دارند نه تنها مالیات بالایی را بر مالیات‌دهندگان پردرآمد تحمیل می‌کنند، بلکه به دولتی بسیار مداخله‌گر و کمک شدید سازمان‌های دیوان‌سالار و افراد حرفه‌ای نیاز دارد (همتی، ۱۳۸۹: ۳۳). به‌شکل عملیاتی‌تر، باید گفت که برابری یک مفهوم بسیار پیچیده است که می‌توان آن را به برابری اقتصادی، آموزشی، بهداشتی، جنسیتی، قانونی، قضایی حقوقی، و غیره تقسیم‌بندی کرد. در این مطالعه نیز یکی از ابعاد اصلی مفهوم توسعه اجتماعی، بعد عدالت اجتماعی بوده است. برای پاسخ دادن به این سوال که "وضعیت عدالت اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی چگونه است؟" پس از ترکیب معرف‌های "عدالت اقتصادی"، "عدالت اجتماعی و فرهنگی"، "عدالت آموزشی و بهداشتی"، "عدالت جنسیتی" و "عدالت قضایی و حقوقی" به‌عنوان معرف‌های عملیاتی تشکیل‌دهنده عدالت اجتماعی و اندازه‌گیری هر یک از آنها، نهایتاً نتایج زیر به‌دست آمده است. البته لازم به ذکر است که برای به‌دست آوردن میانگین بعد عدالت اجتماعی در استان مرکزی با توجه به نقصان داده‌های آماری (چه به‌لحاظ اعتبار آماری و چه به‌لحاظ انسجام در دوره‌های زمانی متناوب و چه به‌لحاظ فقدان داده‌های مشخص در سطح بسیاری از شهرستان‌های استان مرکزی) به نگرش‌های شهروندان ساکن در استان مرکزی نسبت به مقوله برابری و عدالت بخصوص در بخش فرصت‌های اجتماعی (عدالت اقتصادی، عدالت اجتماعی و فرهنگی، عدالت آموزشی و بهداشتی، عدالت جنسیتی، عدالت قضایی و حقوقی) پرداخته شده است، یعنی نتایج حاصله در بعد عدالت اجتماعی بر اساس نگرش‌های مردم نسبت به وضعیت موجود در جامعه است که با توجه به نتایج، میزان عدالت اجتماعی در بین شهروندان استان مرکزی در حد متوسط رو به پایین است. همچنین میانگین احساس عدالت اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی نیز متفاوت است. به‌طوری که شهرستان فراهان با میانگین ۵۳/۶۹ در بین دوازده شهرستان، از بیشترین میزان احساس عدالت اجتماعی برخوردار است و شهرستان تفرش با میانگین ۴۰/۸۰ کم‌ترین میزان احساس عدالت اجتماعی را در بین شهرستان‌های استان مرکزی به خود اختصاص داده است.

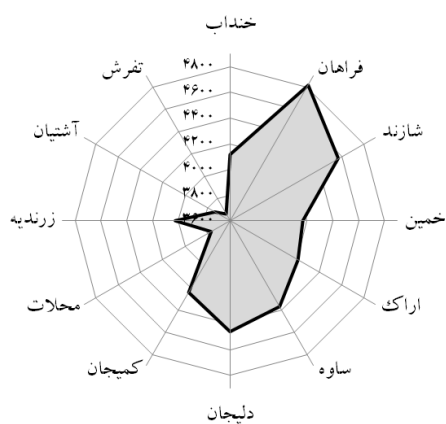
جدول ۷. توزیع بعد عدالت اجتماعی به تفکیک شهرستان

گروه‌ها	اراک	خمین	زرنديه	شازند	ساوه	آشتیان	تفرش	محلات	خنداب	دلیجان	کمیجان	فراهان
عدالت اجتماعی	۴۶/۹	۴۷/۳	۴۴/۹	۵۰/۹	۴۸/۷	۴۱/۶	۳۱/۸	۴۲/۰	۴۵/۸	۴۹/۷	۴۷/۳	۵۳/۷

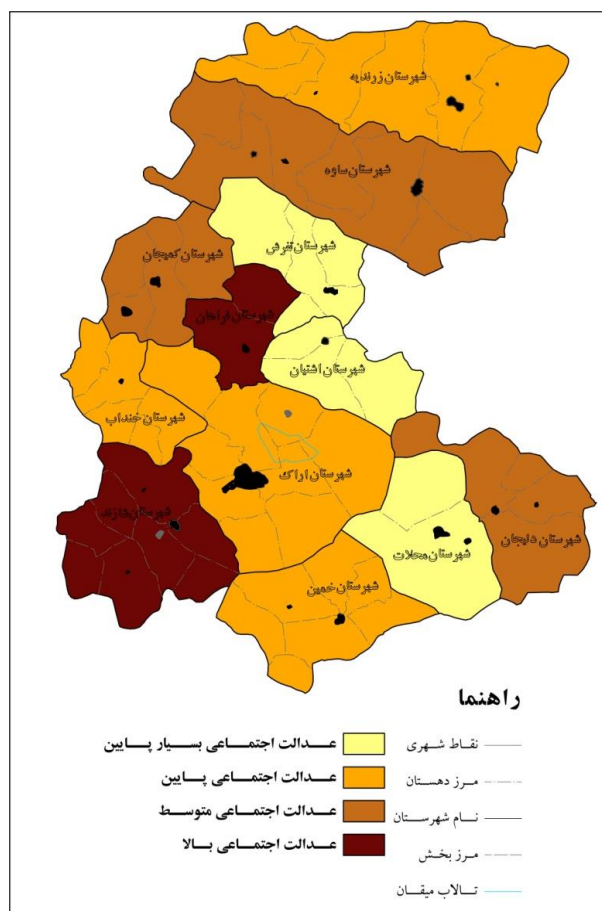
به استناد جدول شماره ۸ و نمودار شماره ۲ و با توجه به اعمال ضریب بعد عدالت اجتماعی (به‌دست آمده از مطالعه دلفی) که معادل ۸۹/۷۲ می‌باشد، میانگین امتیاز عدالت اجتماعی استان ۴۱۵۱ محاسبه شده که توزیع آن در شهرستان‌های استان مرکزی در بازه ۴۸۱۷-۳۶۶۱ قرار گرفته است. اطلاعات بیشتر به تفصیل در جدول، نمودار و نقشه مربوط به بعد عدالت اجتماعی آورده شده است.

جدول ۸. امتیاز میانگین عدالت اجتماعی به تفکیک شهرستان

ردیف	شهرستان	میانگین	امتیاز
۱	خنداب	۴۵/۸۶	۴۱۱۵
۲	فراهان	۵۳/۶۹	۴۸۱۷
۳	شازند	۵۰/۹۶	۴۵۷۲
۴	خمین	۴۶/۴۴	۴۱۶۷
۵	اراک	۴۶/۹۳	۴۲۱۱
۶	ساوه	۴۸/۷۲	۴۳۷۱
۷	دلیجان	۴۹/۷۴	۴۴۶۱
۸	کمیجان	۴۷/۳۰	۴۲۴۴
۹	محلات	۴۲/۰۱	۳۷۶۹
۱۰	زرنديه	۴۴/۸۸	۴۰۲۷
۱۱	آشتیان	۴۱/۶۴	۳۷۳۶
۱۲	تفرش	۴۰/۸۰	۳۶۶۱
۱۳	کل	۴۶/۲۷	۴۱۵۱



نمودار ۲. عدالت اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی



نقشه ۲. توزیع عدالت اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی

به واسطه این که همواره از دغدغه‌های بشری در طول تاریخ بوده است، همواره در نظریات متفکران، قابل ردیابی و شناسایی است. مفهوم امنیت در جامعه‌شناسی به جای تأکید بر خطرات و تهدیدات یا منافع و خواست‌ها یا به جای تأکید بر گفتمان سلبی و ایجابی (تأکیدات مطالعات امنیتی بر سر این مفهوم)، به تأمین و تضمین زندگی نظر دارد و در شکل پوشش و محافظتی به دور افراد و جمع‌ها عمل می‌کند تا آسودگی و آرامش آن‌ها را فراهم کند. امنیت اجتماعی در جامعه‌شناسی، به خصوص در توسعه اجتماعی، دارای سطوح چندگانه شامل "بقا"، "توسعه و رضایت" و "رهایی و زیبایی" است که هر سطح با معیار نوع تعاملات بازشناخته می‌شود. تعاملات متقابل و مناسبات دوجانبه، در سه سطح امنیت یعنی بقا، توسعه و رضایت و زیبایی تفاوت دارند. تعاملات در سطح بقا به مراحل همکاری و رقابت بر سر شانس‌های زندگی معطوف است. هر چه قواعد رفتاری در چارچوب‌های رسمی و مدون در قالب قوانین و مقررات، شیوه‌های همکاری و رقابت را برای کسب شانس‌های زندگی فراهم کرده باشند، می‌توان ادعا کرد که امنیت اجتماعی در سطح بقا تحقق یافته است. به عبارت دیگر، اعضای اجتماعات نسبت به یکدیگر می‌دانند، چگونه عمل نمایند تا بتوانند شانس‌های بیشتری برای زندگی خویش فراهم کنند (نویدینا، ۱۳۸۸: ۵۷). هم‌چنین، اجتماعات نیز نسبت به هم از این آگاهی برخوردارند که چگونه در فرایندهای تعیین شده از طریق همکاری یا رقابت، شانس‌های زندگی خویش را بیشتر کنند. سطح توسعه و رضایت، بر شیوه‌های زندگی استوار است، به این معنا که هر چه اجتماعات بتوانند بیشتر در جهت شیوه و مرام خواسته شده خویش گام بردارند، توانمندی‌های خویش را بیشتر رشد می‌دهند و رضایت بیشتری کسب می‌کنند و هر چه اجتماعات برای انتخاب شیوه زندگی با مشکلات بیشتری مواجه باشند، محدودیت‌های بیشتری در جهت رشد و گسترش مهارت‌های خود دارند و رضایت کم‌تری به دست می‌آورند (گیدنز، ۱۳۸۰: ۲۰۸). در این پژوهش، بعد امنیت اجتماعی (البته در قالب احساس امنیت) از ترکیب معرف‌های عملیاتی "امنیت جانی"، "امنیت مالی"، "امنیت فکری" و "امنیت جمعی" تشکیل شده است و برای اندازه‌گیری وضعیت امنیت اجتماعی در استان مرکزی در این مطالعه وضعیت امنیت اجتماعی در بعد مالی، جانی، فکری و جمعی سنجیده شده است که بر اساس نتایج، میزان امنیت اجتماعی در بین شهروندان استان مرکزی در حد متوسط رو به بالا می‌باشد. همچنین میزان امنیت اجتماعی در بین شهروندان استان مرکزی در حد متوسط رو به بالاست. میانگین امنیت اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی متفاوت است؛ به طوری که شهرستان شازند با میانگین ۶۳/۴ در بین دوازده شهرستان، از بیشترین میزان امنیت اجتماعی برخوردار بوده و شهرستان آشتیان با میانگین ۴۵/۲ کمترین میزان امنیت اجتماعی را در بین شهرستانهای استان مرکزی به خود اختصاص داده است.

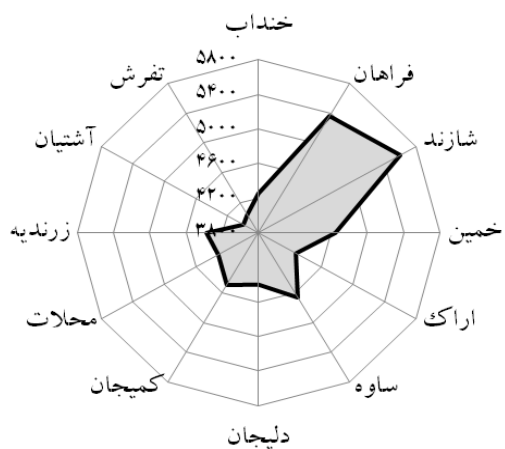
جدول ۹. توزیع بعد امنیت اجتماعی به تفکیک شهرستان

گویه‌ها	اراک	خمین	زرنديه	شازند	ساوه	آشتیان	تفرش	محلات	خنداب	دلیجان	کمیجان	فراهان
امنیت اجتماعی	۴۵/۳	۴۶/۴	۴۵/۱	۵۱/۲	۴۸/۶	۴۰/۹	۳۲/۲	۴۱/۸	۴۶/۲	۵۰/۲	۴۸/۲	۵۴/۱

به استناد جدول شماره ۱۰ و نمودار شماره ۳ و با توجه به اعمال ضریب بعد امنیت اجتماعی (به دست آمده از مطالعه دلفی) که معادل ۸۸/۴ است، میانگین امتیاز امنیت اجتماعی استان، معادل ۴۵۰۱ محاسبه شده که توزیع آن در شهرستان‌های استان مرکزی در بازه ۵۵۹۹-۳۹۹۳ قرار گرفته است. اطلاعات بیشتر به تفصیل در جدول، نمودار و نقشه مربوط به بعد امنیت اجتماعی آورده شده است.

جدول ۱۰. امتیاز میانگین امنیت اجتماعی به تفکیک شهرستان

ردیف	شهرستان	میانگین	امتیاز
۱	خنداب	۴۲۵۷	۴۸/۲۰
۲	فراهان	۵۳۶۰	۶۰/۷۰
۳	شازند	۵۵۹۹	۶۳/۴۰
۴	خمین	۴۶۴۵	۵۲/۶۰
۵	اراک	۴۲۷۴	۴۸/۴۰
۶	ساوه	۴۶۶۳	۵۲/۸۰
۷	دلیجان	۴۳۹۸	۴۹/۸۰
۸	کمیجان	۴۴۹۵	۵۰/۹۰
۹	محلات	۴۳۱۰	۴۸/۸۰
۱۰	زرنديه	۴۳۷۱	۴۹/۵۰
۱۱	آشتیان	۳۹۹۲	۴۵/۲۰
۱۲	تفرش	۴۰۴۵	۴۵/۸۰
۱۳	کل	۴۵۰۱	۵۰/۹۷



نمودار ۳. امنیت اجتماعی در استان مرکزی

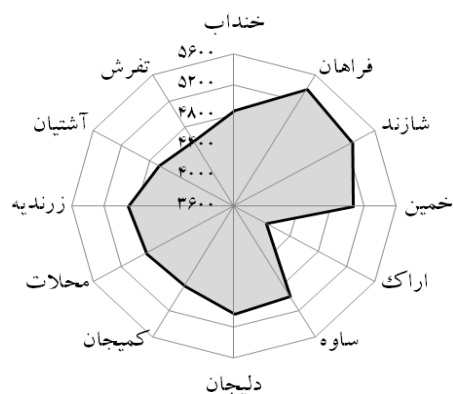


نقشه ۳. توزیع امنیت اجتماعی در استان مرکزی

کیفیت زندگی: به‌طور کلی، تقریباً تمامی پژوهش‌گران به سه اصل در ارتباط با مفهوم کیفیت زندگی توافق نظر دارند: (۱) کیفیت زندگی یک ارزش‌یابی ذهنی است و افراد، خود، بهترین قضاوت‌کنندگان راجع به کیفیت زندگی خود هستند. (۲) کیفیت زندگی یک ماهیت پویا و دینامیک است نه ایستا، بدین معنی که یک فرایند وابسته به زمان بوده و تغییرات درونی و بیرونی در آن دخیل می‌باشند. (۳) کیفیت زندگی یک مفهوم چندبعدی است و باید از زوایا و ابعاد مختلفی سنجیده شود که این ابعاد، اجزای مرکزی چارچوب پنداشتی تحقیقات کیفیت زندگی را تشکیل می‌دهد (کیبرت، ۱۹۹۷). مشخصاً در این مطالعه برای برآورد وضعیت کیفیت زندگی با توجه به محدودیت‌های آماری و اطلاعاتی موجود در شهرستان‌های استان مرکزی، سعی شده که از رویکرد "کیفیت زندگی اجتماعی" استفاده شود. این رویکرد، در سال ۱۹۹۷ در بیانیه آمستردام، از سوی ۷۴ نفر از آکادمیسین‌های حوزه‌های سیاست‌گذاری اجتماعی، جامعه‌شناسی، علوم سیاسی، حقوق و اقتصاد مطرح گردیده و به سرعت توسعه یافته است (فیلیپس^۱، ۲۰۰۶). در این چارچوب، کیفیت زندگی عبارت است از دامنه‌ای که شهروندان قادر به مشارکت در زندگی اجتماعی و اقتصادی جامعه‌شان، تحت شرایطی هستند که بهزیستی و توانایی بالقوه آنها را بهبود می‌بخشد (نول، ۲۰۰۲، ۶۲). در این زمینه، می‌توان گفت که تأمین اجتماعی، اقتصادی دامنه‌ای است که در آن افراد از منابع حمایتی جامعه، نظام‌ها و مؤسسات اجتماعی برخوردارند که این امر به دستاوردهای اقدامات حمایتی جامعه، نظام‌ها و مؤسسات اجتماعی به‌عنوان زمینه‌هایی برای اجرای فرایند خودتحقیقی افراد بستگی دارد. عامل دوم، یعنی ادغام اجتماعی دامنه‌ای است که افراد قادرند به نهادها و روابط اجتماعی دسترسی داشته باشند. این امر به مشارکت و فرایند ادغام در هویت‌های جمعی و واقعیت‌هایی که خودتحقیقی را تعیین می‌کنند مربوط می‌شود. عامل سوم، یعنی همبستگی اجتماعی نیز ویژگی‌ای است مبتنی بر هویت‌ها، ارزش‌ها و هنجارهای مشترک که از سویی با انسجام، به‌عنوان پایه‌ای برای هویت‌های جمعی، ارتباط دارد و از سوی دیگر با فرایندی که شبکه‌های اجتماعی و زیر ساخت‌های اجتماعی این شبکه‌ها را ایجاد و پشتیبانی می‌کنند، در ارتباط است. توان‌مندسازی اجتماعی، به‌منزله عامل چهارم، محدوده‌ای است که در آن قابلیت‌های شخصی افراد و توانایی فعالیت آن‌ها از طریق روابط اجتماعی ارتقا می‌یابد. توان‌مندسازی اجتماعی، در واقع، عبارت است از تحقق قابلیت‌ها و شایستگی‌های انسان در خصوص مشارکت کامل در فرایندهای اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی. نهایتاً باید گفت که عنصر تأمین اجتماعی - اقتصادی به عدالت اجتماعی و توزیع منصفانه ثروت مربوط می‌شود، ادغام اجتماعی به بهبود حقوق شهروندی برمی‌گردد، همبستگی اجتماعی به یک قرارداد اخلاقی متقابل و انسجام اشاره دارد و توان‌مندسازی به عدالت در فرصت‌ها و شانس‌های زندگی ارجاع دارد. در این مطالعه، بعد کیفیت زندگی، به مثابه یکی از ابعاد اصلی مفهوم توسعه اجتماعی، در نظر گرفته شده است. بر اساس رویکرد اصلی، در این پژوهش، برای اندازه‌گیری کیفیت زندگی که همان رویکرد کیفیت اجتماعی است، معرف‌های متعددی برای این سازه در نظر گرفته شده که بتوانند مبین چهار بخش اصلی تشکیل‌دهنده این رویکرد باشند. لازم به ذکر است که معرف‌های در نظر گرفته شده برای بعد کیفیت زندگی از ترکیب معرف‌های موجود در دیگر ابعاد، شکل گرفته است. نهایتاً برای پاسخ دادن به این سوال که "وضعیت کیفیت زندگی در شهرستان‌های استان مرکزی چگونه است؟" پس از اندازه‌گیری این بعد، نتایج زیر به دست آمده است. میزان کیفیت زندگی در بین شهروندان استان مرکزی در حد متوسط رو به بالاست. همچنین، میانگین کیفیت زندگی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی متفاوت است. به‌طوری‌که شهرستان فراهان با میانگین ۶۱/۵۶ در بین دوازده شهرستان، از بیشترین میزان کیفیت زندگی برخوردار است و شهرستان تفرش با میانگین ۵۲/۵۸ کم‌ترین میزان کیفیت زندگی را در بین شهرستان‌های استان مرکزی به خود اختصاص داده است.

جدول ۱۲. امتیاز میانگین کیفیت زندگی به تفکیک شهرستان

ردیف	شهرستان	میانگین	امتیاز
۱	خنداب	۵۵/۶۴	۴۸۶۹
۲	فراهان	۶۱/۵۶	۵۳۸۷
۳	شازند	۶۰/۳۱	۵۲۷۷
۴	خمین	۵۷/۸۳	۵۰۶۰
۵	اراک	۴۲/۲۶	۴۰۴۸
۶	ساوه	۵۶/۷۸	۴۹۶۸
۷	دلیجان	۵۷/۳۶	۵۰۱۹
۸	کمیجان	۵۵/۰۵	۴۸۱۷
۹	محلات	۵۵/۴۵	۴۸۵۲
۱۰	زرنديه	۵۶/۱۶	۴۹۱۴
۱۱	آشتیان	۵۳/۴۵	۴۶۷۷
۱۲	تفرش	۵۲/۵۸	۴۶۰۱
۱۳	کل	۵۶/۲۷	۴۹۲۴



نمودار ۴. توزیع کیفیت زندگی در استان مرکزی



جدول ۱۱. توزیع بعد کیفیت زندگی به تفکیک شهرستان

گویه‌ها	اراک	خمین	زرنديه	شازند	ساوه	آشتیان	تفرش	محلات	خنداب	دلیجان	کمیجان	فراهان
کیفیت زندگی	۵۶/۲	۵۷/۸	۵۶/۲	۶۰/۳	۵۶/۷	۵۳/۴	۴۸/۵	۵۵/۴	۵۵/۶	۵۷/۳	۵۵/۱	۶۱/۵

نقشه ۴. توزیع کیفیت زندگی در استان مرکزی

اخلاق توسعه اجتماعی: باید گفت که رفتارهای اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که در نهادهای یک جامعه تثبیت شده‌اند نقش عظیمی در فرایند توسعه آن جامعه ایفا می‌کنند. این رفتارها نشأت گرفته از نگرش‌ها، ارزش‌ها و باورهاست و با عنوان اخلاق توسعه شناخته می‌شود. اخلاق توسعه، شیوه اندیشیدن، احساس کردن و نهایتاً تمایل به رفتار خاصی از سوی افراد یک جامعه است. اخلاق (نگرش‌ها و باورها) را در فرایند توسعه می‌توان از خلال ارزش‌ها و ایدئولوژی‌ها مورد بررسی قرار داد. ارزش‌ها که انگیزه نگرش‌های اجتماعی‌اند، ما را به درک شیوه‌های رفتاری‌ای که از انسان در ابعاد مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی سر می‌زند، هدایت می‌کنند. در مورد نقش اخلاق در فرایند توسعه می‌توان گفت که «اخلاق توسعه در خلال ارزش‌ها و باورهای فرهنگی امکان تفسیر گذشته، سازمان‌دهی زمان کنونی و پیش‌بینی آینده را فراهم می‌سازد» (ورجائوند، ۱۳۶۸: ۲۳). تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌ها در جهت دستیابی به اخلاق توسعه، زمینه و بستر مناسبی را برای هر یک از ابعاد توسعه فراهم می‌سازد. از این رو، باید در صدر سیاست‌های اجتماعی توسعه قرار گیرد چرا که اولاً نمی‌توان مدعی شد که فرهنگ یک جامعه تماماً عناصر مساعد یا عناصر نامساعد را برای توسعه داراست، زیرا در هیچ فرهنگی، مجموعه عناصر، مساعد یا مخالف توسعه نیست. برخی از باورها و ارزش‌ها می‌توانند در خدمت توسعه قرار گیرند و آنرا تسهیل کنند و برخی دیگر می‌توانند، از آغاز، مانع تقویت آن شوند (قاسمیان، ۱۳۷۱: ۱۹). دوم آن‌که صرف وجود عناصر مساعد برای توسعه کافی نیست؛ چنان‌که امکان دارد در فرهنگی، هم عناصر مساعد و هم عناصر نامساعد وجود داشته باشد اما در واقعیت تجربی، عناصر مساعد توسعه، ممکن است جنبه ایده‌آلی و حالت شعارگونه داشته باشند و عناصر نامساعد، در رفتارها و فعالیت‌های اعضای جامعه، عینیت یابند. سوم آن‌که تغییر در نگرش‌ها و ارزش‌های فرهنگی جامعه به معنای طرد سنت‌ها نیست چرا که بیشتر آن‌ها به دلیل کارا بودن امکان ادامه حیات یافته‌اند، و همچنین، سنت‌ها هستند که هویت فرهنگی یک جامعه را تشکیل می‌دهند. چهارم آن‌که بدون شک بازاندیشی، بازسازی و بازآفرینی عناصر فرهنگی، روند توسعه را تسهیل می‌کند. (اشاره به تجربه رنسانس و اصلاحات دینی در اروپا و تاثیر آن بر روند رشد و توسعه کشورهای اروپایی). پنجم آن‌که این بازسازی و بازآفرینی عناصر فرهنگی باید با توجه به نیازها و شرایط زمانی جدید باشد. در این حالت، عناصر مساعد برای توسعه حفظ و تقویت شده و عناصر مخالف با توسعه همچون خرافات، از چهره فرهنگ و اخلاق زدوده می‌شود. به بیان دقیق‌تر، اخلاق لازم برای توسعه، جایگزین اخلاق بازدارنده توسعه می‌شود. برای پاسخ دادن به این سوال که "وضعیت اخلاق توسعه اجتماعی در شهرستان‌های استان مرکزی چگونه است؟" پس از ترکیب معرف‌های "تقدیرگرایی"، "میل به پیشرفت"، "تعاون و همکاری"، "فرهنگ نوگرایی"، "احساس مسئولیت"، "اعتماد به نفس فرهنگی"، "یادگیری" و "اخلاق شهروندی" به‌عنوان معرف‌های عملیاتی تشکیل‌دهنده اخلاق توسعه اجتماعی و اندازه‌گیری هر یک از آن‌ها، نهایتاً نتایج زیر به‌دست آمده است. میزان اخلاق توسعه اجتماعی در بین شهروندان استان مرکزی در حد متوسط رو به بالاست. میانگین اخلاق توسعه اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی نیز متفاوت است؛ به‌طوری که شهرستان خمین با میانگین ۶۹/۷۱ در بین دوازده شهرستان، از بیشترین میزان اخلاق توسعه اجتماعی برخوردار بوده و شهرستان تفرش با میانگین ۵۸/۹۳ کم‌ترین میزان اخلاق توسعه اجتماعی را در بین شهرستان‌های استان مرکزی به خود اختصاص داده است.

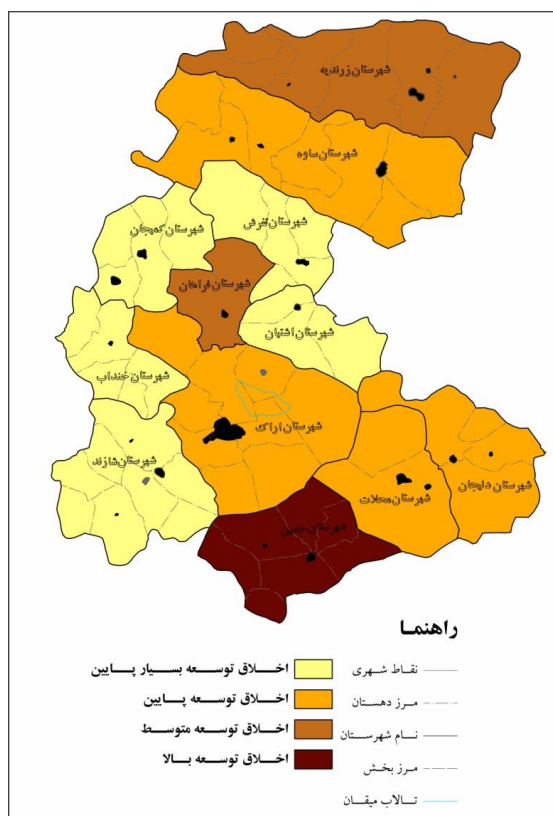
جدول ۱۳. توزیع بعد اخلاق شهروندی به تفکیک شهرستان

متغیر	اراک	خمین	زرنديه	شازند	ساوه	آشتیان	تفرش	محلات	خنداب	دلیجان	کمیجان	فراهان
تقدیرگرایی	۶۳/۸	۶۹/۴	۷۰/۱	۶۳/۲	۶۷/۶	۶۲/۷	۵۷/۹	۶۴/۱	۶۰/۹	۶۶/۲	۶۵/۵	۶۵/۸
اخلاق شهروندی	۶۳/۹	۶۶/۰	۶۵/۰	۶۶/۳	۶۳/۸	۶۰/۴	۵۶/۴	۶۶/۲	۶۵/۵	۶۰/۸	۶۱/۶	۶۴/۷
تعاون و همکاری	۶۳/۵	۶۹/۴	۶۷/۵	۵۶/۱	۶۳/۵	۶۱/۱	۴۴/۷	۶۵/۳	۶۳/۲	۶۶/۱	۶۱/۴	۶۶/۲
میل به پیشرفت	۶۷/۵	۷۱/۶	۶۷/۹	۵۷/۶	۶۷/۰	۶۶/۹	۵۹/۷	۶۴/۴	۶۷/۳	۶۷/۴	۶۵/۸	۷۰/۰
فرهنگ نوگرایی	۶۶/۲	۶۶/۷	۶۳/۰	۶۱/۹	۶۳/۹	۶۶/۳	۶۵/۴	۶۵/۳	۶۳/۵	۶۶/۸	۶۷/۸	۶۷/۵
احساس مسئولیت	۷۲/۳	۷۸/۰	۷۳/۲	۷۱/۹	۷۲/۱	۷۲/۱	۶۸/۰	۷۱/۰	۷۳/۷	۷۰/۸	۷۲/۵	۷۳/۲
یادگیری	۶۶/۹	۶۹/۳	۷۰/۰	۶۳/۷	۷۱/۱	۶۲/۷	۵۷/۰	۷۰/۶	۶۶/۳	۶۷/۰	۵۴/۶	۶۳/۴
اعتماد به نفس فرهنگی	۶۴/۸	۶۷/۱	۶۱/۴	۷۳/۸	۶۲/۵	۶۸/۱	۷۱/۳	۶۳/۶	۶۲/۶	۶۲/۳	۶۷/۵	۶۹/۸
اخلاق توسعه اجتماعی	۶۶/۱	۶۹/۸	۶۷/۲	۶۴/۳	۶۶/۴	۶۵/۱	۶۴/۳	۶۶/۲	۶۵/۴	۶۵/۷	۶۴/۸	۶۷/۵

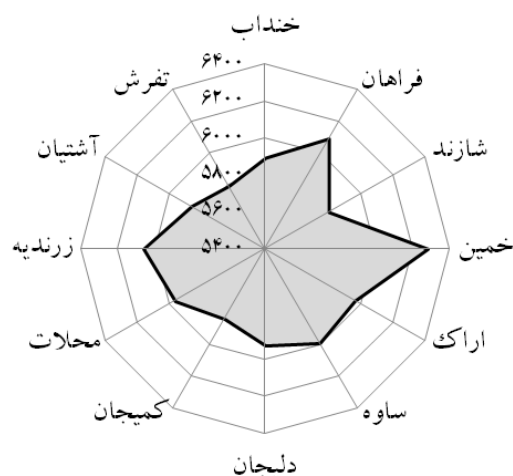
به استناد جدول شماره ۱۴ و نمودار شماره ۵ و با توجه به اعمال ضریب بعد اخلاق توسعه اجتماعی (حاصل از مطالعه دلفی) که معادل ۹۰/۱۲ است، میانگین امتیاز اخلاق توسعه اجتماعی استان برابر با ۵۹۳۰ محاسبه شده که توزیع آن در شهرستان‌های استان مرکزی در بازه ۶۲۸۲-۵۷۹۵ قرار گرفته است. اطلاعات بیشتر به تفصیل در جدول، نمودار و نقشه مربوط به بعد اخلاق توسعه اجتماعی آورده شده است.

جدول ۱۴. امتیاز میانگین اخلاق توسعه به تفکیک شهرستان

ردیف	شهرستان	اخلاق توسعه	امتیاز
۱	خنداب	۶۵/۳۹	۵۸۹۳
۲	فراهان	۶۷/۵۷	۶۰۸۹
۳	شازند	۶۴/۳۳	۵۷۹۷
۴	خمین	۶۹/۷۱	۶۲۸۲
۵	اراک	۶۶/۱۵	۵۹۶۱
۶	ساوه	۶۶/۴۶	۵۹۸۹
۷	دلیجان	۶۵/۷۳	۵۹۲۴
۸	کمیجان	۶۴/۸۰	۵۸۴۰
۹	محلات	۶۶/۲۱	۵۹۶۷
۱۰	زرنديه	۶۷/۲۸	۶۰۶۳
۱۱	آشتیان	۶۵/۰۶	۵۸۶۳
۱۲	تفرش	۶۴/۳۰	۵۷۹۵
۱۳	کل	۶۵/۸۰	۵۹۳۰



نقشه ۵. توزیع اخلاق توسعه در استان مرکزی



نمودار ۵. توزیع اخلاق توسعه در استان مرکزی

توسعه اجتماعی: در ادبیات توسعه، مفهوم توسعه اجتماعی در دو رویکرد "عام" و "خاص" گنجانده شده است. در رویکرد عام، توسعه اجتماعی مترادف با چیزی مشابه با توسعه ملی یا توسعه همه جانبه و متوازن است. در اینجا توسعه اجتماعی از توسعه غیر اجتماعی یا فنی متمایز شده ولی با دیگر انواع توسعه به ویژه توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی تداخل پیدا کرده است. اما در رویکرد خاص - که رویکرد حاکم بر این مطالعه نیز هست - توسعه اجتماعی به معنای اخص کلمه و متمایز از توسعه فرهنگی، سیاسی و اقتصادی به کار رفته است که می توان آنرا ناظر بر اجتماع جامعه ای^۱، به عنوان یکی از حوزه های چهارگانه حیات اجتماعی انسان در جامعه دانست که به معنی بسط و تعریض و تحکیم اجتماع جامعه ای می باشد. همان طور که گفته شد در این پژوهش توسعه اجتماعی به مثابه کیفیت سیستم اجتماعی از طریق نهادینه کردن "اخلاق توسعه" به خصوص توسعه اجتماعی برای حصول به "همبستگی و وفاق اجتماعی" و "عدالت اجتماعی" در جهت بالا بردن "سطح کیفیت زندگی" و افزایش "ضریب امنیت اجتماعی" در نظر گرفته شده است. بر همین اساس، برای پاسخ دادن به سوال اصلی این مطالعه که "وضعیت توسعه یافتگی اجتماعی در شهرستان های استان مرکزی چگونه است؟" پس از ترکیب ابعاد "همبستگی (وفاق) اجتماعی"، "عدالت اجتماعی"، "امنیت اجتماعی"، "کیفیت زندگی" و "اخلاق توسعه اجتماعی"، به عنوان ابعاد اصلی تشکیل دهنده مفهوم توسعه اجتماعی، و اندازه گیری هر یک از آنها، نهایتاً نتایج زیر به دست آمده است. میانگین همبستگی اجتماعی، عدالت اجتماعی، امنیت اجتماعی، کیفیت زندگی و اخلاق توسعه اجتماعی به ترتیب (۶۴/۶۶) و (۴۶/۲۷)، (۵۰/۹۷) و (۵۶/۲۷)، (۶۵/۸۰) می باشد. در نهایت، میانگین کل مفهوم

توسعه اجتماعی برابر ۵۶/۷۹ است. بنابراین، می‌توان گفت که وضعیت توسعه اجتماعی در استان مرکزی متوسط رو به بالاست. شایان ذکر است این وضعیت مبتنی بر تقسیم‌بندی میانگین در محدوده ۰ تا ۱۰۰ در چهار بخش به صورت ۰-۲۵ پایین، ۲۵-۵۰ متوسط رو به پایین، ۵۰-۷۵ متوسط رو به بالا و ۷۵-۱۰۰ بالا است. میانگین شاخص توسعه اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی (برآمده از ابعاد پنج‌گانه) نیز متفاوت است؛ به‌طوری که شهرستان فراهان با میانگین ۶۲/۳۴ در بین دوازده شهرستان، از بیشترین میزان توسعه اجتماعی برخوردار بوده و شهرستان تفرش با میانگین ۴۸/۲۵ کمترین میزان توسعه اجتماعی را در بین شهرستان‌های استان مرکزی به خود اختصاص داده است.

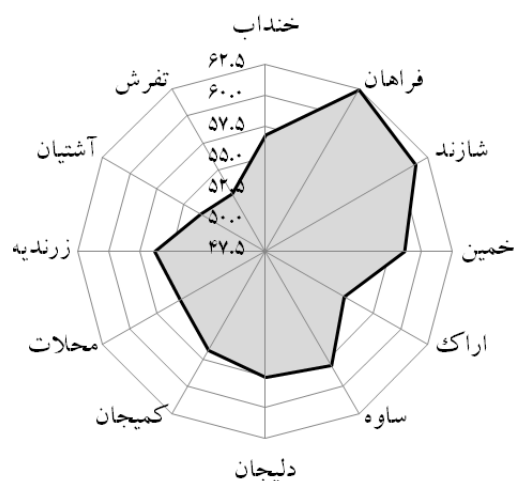
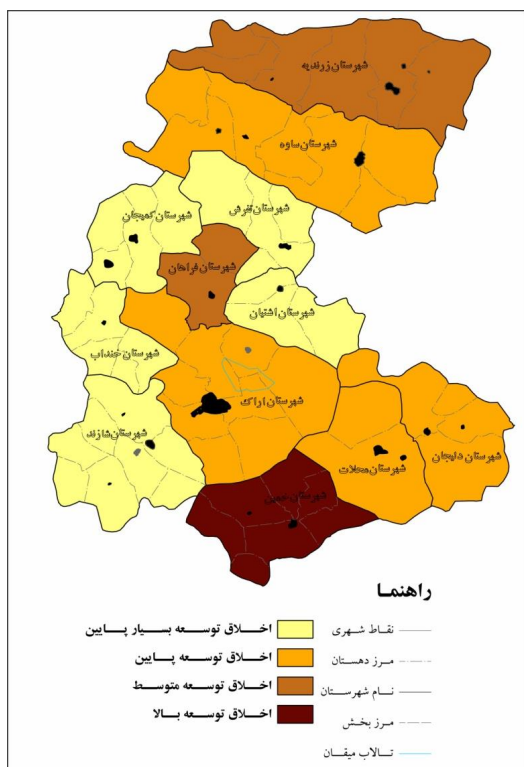
جدول ۱۵. توزیع ابعاد توسعه اجتماعی به تفکیک شهرستان

ابعاد	اراک	خمین	زرنديه	شازند	ساوه	آشتیان	تفرش	محلات	خنداب	دلیجان	کمیجان	فراهان
همبستگی اجتماعی	۶۵/۱	۶۵/۸	۶۳/۵	۶۷/۴	۶۴/۸	۶۱/۵	۵۶/۲	۶۳/۷	۶۸/۲۵	۶۴/۶	۶۴/۵	۶۸/۲
عدالت اجتماعی	۴۶/۹	۴۷/۳	۴۴/۹	۵۰/۹	۴۸/۷	۴۱/۶	۳۱/۸	۴۲/۰	۴۵/۸	۴۹/۷	۴۷/۳	۵۳/۷
امنیت اجتماعی	۴۵/۳	۴۶/۴	۴۵/۱	۵۱/۲	۴۸/۶	۴۰/۹	۳۲/۲	۴۱/۸	۴۶/۲	۵۰/۲	۴۸/۲	۵۴/۱
کیفیت زندگی	۵۶/۲	۵۷/۸	۵۶/۲	۶۰/۳	۵۶/۷	۵۳/۴	۴۸/۵	۵۵/۴	۵۵/۶	۵۷/۳	۵۵/۱	۶۱/۵
اخلاق توسعه اجتماعی	۶۶/۱	۶۹/۸	۶۷/۲	۶۴/۳	۶۶/۴	۶۵/۱	۶۴/۳	۶۶/۲	۶۵/۴	۶۵/۷	۶۴/۸	۶۷/۵
توسعه اجتماعی	۵۶/۵	۵۸/۵	۵۶/۲	۶۱/۳	۵۷/۹	۵۳/۴	۴۸/۲	۵۵/۲	۵۶/۷	۵۷/۴	۵۶/۵	۶۲/۴

اطلاعات تکمیلی در جدول شماره ۱۶ و نقشه شماره ۶ مربوط به شاخص توسعه اجتماعی آمده است.

جدول ۱۶. امتیاز میانگین توسعه اجتماعی به تفکیک شهرستان

ردیف	شهرستان	مجموع امتیازها	امتیاز توسعه اجتماعی
۱	خنداب	۲۵۵۳۶	۵۶/۸۱
۲	فراهان	۲۸۰۵۴	۶۲/۴۲
۳	شازند	۲۷۵۶۹	۶۱/۳۳
۴	خمین	۲۶۳۳۳	۵۸/۵۹
۵	اراک	۲۴۶۰۰	۵۴/۷۳
۶	ساوه	۲۶۰۷۳	۵۸/۰۱
۷	دلیجان	۲۵۸۶۹	۵۷/۵۵
۸	کمیجان	۲۵۴۵۱	۵۶/۶۲
۹	محلات	۲۴۸۷۶	۵۵/۳۴
۱۰	زرنديه	۲۵۳۳۱	۵۶/۳۶
۱۱	آشتیان	۲۴۰۴۲	۵۳/۴۹
۱۲	تفرش	۲۳۷۴۹	۵۲/۸۴
۱۳	کل	۲۵۵۷۱	۵۶/۸۹

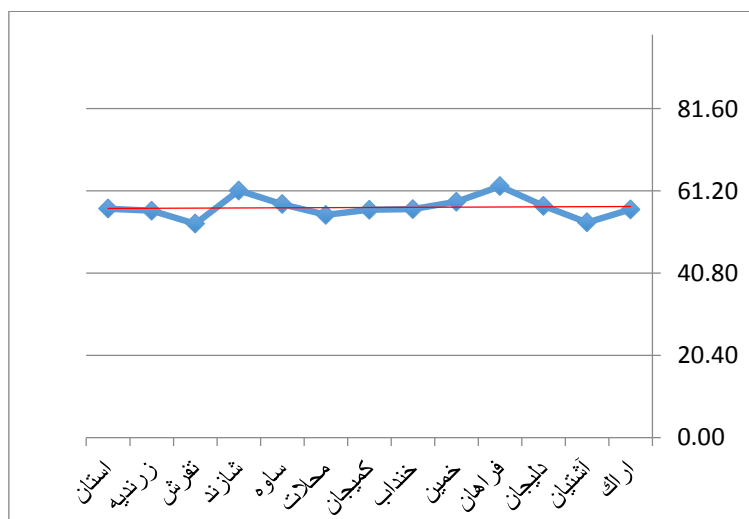


نمودار ۶. توزیع توسعه اجتماعی در استان مرکزی

نقشه شماره ۶: توزیع توسعه اجتماعی در استان مرکزی

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های به‌دست آمده، میانگین محاسبه شده برای شاخص کل توسعه اجتماعی در استان مرکزی، در نمونه تحقیق با انحراف معیار ۱۲/۴۳ و خطای استاندارد ۰/۳۴، برابر ۵۶/۷۹ است. بنابراین، میانگین توسعه اجتماعی در استان مرکزی در محدوده ۵۶/۱۱ تا ۵۷/۷۴ است. وضعیت توسعه اجتماعی در استان مرکزی متوسط رو به بالاست.



نمودار ۷. توزیع توسعه اجتماعی در استان مرکزی

لازم به ذکر است با توجه به اینکه تاکنون در سطح کشور از این شاخص برای برآورد و اندازه‌گیری توسعه اجتماعی استفاده نشده است، بنابراین نمی‌توان به‌سادگی نمرات و میانگین‌های به‌دست آمده در این پژوهش را با

وضعیت توسعه اجتماعی در دیگر مناطق کشور مقایسه کرد. برآورد وضعیت پیشرفت یا پسرفت توسعه اجتماعی (ضریب توسعه‌یافتگی اجتماعی در سری‌های زمانی مختلف) در سطح استان، به دلیل عدم استفاده از این شاخص در دوره‌های زمانی پیشین نیز میسر نیست. استفاده از این شاخص در زمان کنونی می‌تواند در سطح استان مرکزی و در جهت شناخت واقعی و متقن از وضعیت کلی توسعه اجتماعی، به‌عنوان یکی از شاخص‌های اساسی در توسعه متوازن و همه‌جانبه، در راستای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان ارشد استانی در حوزه اجتماعی و فرهنگی مطرح باشد. چرا که میانگین‌های به‌دست آمده و نحوه پراکندگی آنها در سطح استان مرکزی با مشخص کردن وضعیت توسعه اجتماعی (البته با تأکید بر رویکرد خاص گرایانه به توسعه اجتماعی)، می‌توانند به‌مثابه نقشه راهی برای متولیان حوزه اجتماعی و فرهنگی و شناخت آنها از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مناطق مختلف استان در راستای علت‌یابی، آینده‌پژوهی و برنامه‌ریزی‌های مختلف در جهت ارتقاء شاخص‌های مذکور در نظر گرفته شود. برای مثال، همان‌طور که مشاهده شد، میانگین مفهوم توسعه اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی متفاوت است. به‌طوری‌که شهرستان فراهان با میانگین ۶۲/۳۴ در بین دوازده شهرستان، از بیشترین میزان توسعه اجتماعی برخوردار است و شهرستان تفرش با میانگین ۴۸/۲۵ کم‌ترین میزان توسعه اجتماعی را در بین شهرستان‌های استان مرکزی به خود اختصاص داده است. هر چند که نرخ تفاوت شاخص توسعه اجتماعی در سطح شهرستان‌های استان مرکزی به استثنای تفرش زیاد و در خور توجه نیست باید گفت دلایل تغییر و تفاوت در میانگین‌های به‌دست آمده می‌تواند از عوامل بسیاری نشأت گرفته باشد و برای دسترسی به شناخت دقیق آن می‌توان به بافتار هر منطقه (اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، جغرافیایی) توجه جداگانه‌ای داشت.

اما فقدان شاخص‌ها و استانداردهای لازم مورد وفاق در بین صاحب‌نظران و متولیان توسعه اجتماعی برای شناخت وضع موجود، و همچنین، ارزیابی برنامه‌ها و عملکردهای نهادها و ارگان‌های متولی، مسأله و چالش اصلی پیش‌روی حوزه توسعه اجتماعی در سطح منطقه محسوب می‌شود. یکی از آسیب‌ها و موانع جدی پیش‌روی امر توسعه اجتماعی در کل کشور بالاخص استان مرکزی، فقدان مبانی نظری مناسب، کاربردی و جامع‌الاطراف توسعه اجتماعی، در نزد سیاست‌گذاران و متولیان این حوزه است. چرا که توسعه اجتماعی نیز همانند دیگر مفاهیم انتزاعی و ارزشی در ادبیات و گفتمان علوم اجتماعی، نیازمند چارچوب دقیق و متقن برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی است که در این پژوهش سعی بر حصول این مهم بوده است. در حقیقت، وجه افتراق این مطالعه با دیگر مطالعات این حوزه، دسترسی به شاخص‌های قابل سنجش و مورد اجماع صاحب‌نظران حوزه توسعه است.

باید اذعان کرد که برای توسعه اجتماعی در استان مرکزی می‌بایست به چارچوب نظری متناسب با اکولوژی فرهنگی و اجتماعی استان استناد کرده و آن را سرلوحه کار برنامه‌ریزان قرار داد. در این رابطه، نبود کانون‌های فکری بومی و فقدان آموزه‌ها و راهبردهای اجتماعی و فرهنگی متناسب با مقتضیات کنونی استان سبب شده است که نتوان در عرصه نظری به تولید نظریه و چارچوب‌های نظری مناسب پرداخت، و این خود، سبب بروز نازایی نظری در حوزه‌های تفکر اجتماعی و فرهنگی در عرصه سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی و حتی اجرا در راستای توسعه اجتماعی استان مرکزی شده است که پیامد این مسأله توسعه نامتوازن و سطح بسیار نازل‌تر توسعه اجتماعی به نسبت توسعه اقتصادی و توسعه صنعتی استان است.

همچنین، مسأله فقدان شاخص‌ها و استانداردهای مورد وفاق در بین صاحب‌نظران و متولیان توسعه اجتماعی برای شناخت وضع موجود، ارزیابی برنامه‌ها و عملکردهای نهادها و ارگان‌های متولی در سطح منطقه است. پیامد این نقصان، شکل‌گیری تهدیداتی همچون عدم یکپارچگی یا فقدان دیدگاه‌های مشترک، بسیط بودن و تنوع فعالیت‌ها در حوزه توسعه اجتماعی، نبود تعامل بین نظام برنامه‌ریزی و راهبردی در حوزه توسعه اجتماعی منطقه با برنامه‌های کلان کشور فراروی نظام برنامه‌ریزی راهبردی در حوزه اجتماعی و فرهنگی استان است. البته ضعف نظام برنامه‌ریزی راهبردی مناسب در حوزه توسعه اجتماعی، مانع دیگری برای حصول توسعه‌یافتگی اجتماعی در

استان مرکزی است. درحقیقت، به دلیل فقدان مدیریت متمرکز برآمده از مبانی نظری مشخص و معتبر و مورد وثوق همگان، نوعی تداخل کارکردی، سطحی‌نگری و عدم شناخت نسبت به اولویت‌های توسعه اجتماعی در سطح منطقه ایجاد شده و این نهادها نتوانسته‌اند برای ارتقا توسعه اجتماعی منطقه گام‌های مؤثری بردارند. بنابراین، نهادها و سازمان‌های رسمی در برنامه‌ریزی‌های بلندمدت و رویه‌های راهبردی خود در حوزه توسعه اجتماعی، باید بتوانند اصل تصدی‌گری‌شان را در این عرصه به سمت‌وسوی اصل نظارت‌گری و سیاست‌گذاری سوق دهند. گسترش تشکلهای عمومی مدنی و توان‌مندسازی آنها در حوزه‌های مختلف می‌تواند به‌مثابه یکی از ابزارها و همچنین اهداف راهبردی حصول توسعه اجتماعی در منطقه به‌حساب آید.

سرانجام باید اشاره کرد که توسعه اجتماعی تنها وقتی امکان‌پذیر می‌شود که دگرگونی‌های نهادی صورت پذیرد و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی برای پاسخ‌گویی به تمام نیازهای اساسی افراد انجام شده باشد. در رابطه با ساختارها و نهادهای اجتماعی و تغییر این ساختارها و نهادها و استفاده از منابع می‌بایست کارهای زیادی انجام گیرد، به شیوه‌ای که برابری شرایط در تمامی حوزه‌ها و عادلانه بودن توزیع درآمدها، تضمینی برای در دسترس بودن خدمات و فرصت‌های شغلی باشد. در این راستا، توسعه اجتماعی باید به فرآیند تغییر نهادی طرح‌ریزی شده به منظور برقراری تناسبی بهتر بین نیازهای انسانی و سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی بپردازد. برای دستیابی به توسعه اجتماعی و برای پاسخ‌گویی کامل‌تر به نیازهای خاص افراد جامعه، دو اصل اساسی را نباید از نظرگاه دور کنیم، اول اینکه تأکید اصلی بر نیاز به سیاست‌گذاری و طرح‌ریزی جامع‌تر و هماهنگ‌تر بر اساس یک مبنای منطقه‌ای و ملی قرار گیرد، و دوم آن‌که، می‌باید نیاز به کمک به گروه‌های بومی برای سازمان‌دهی و تأثیرگذاری بر ساختارهای سیاسی و بوروکراتیک مدنظر قرار گیرد. بنابراین، توسعه اجتماعی تلفیقی از سازمان‌دهی اجتماعی و برنامه‌ریزی اجتماعی است اما چیزی بیش از تجمیع ساده این دو حوزه می‌باشد؛ چرا که توسعه اجتماعی، استراتژی سیاسی، توسعه اقتصادی، حمایت اجتماعی، دولت، تحلیل برنامه‌ریزی و پژوهش ارزش‌یابی را شامل شده و آن‌ها را در کنار هم می‌خواهد. پیشنهاد مختصر و مشخص محقق در این راستا تدوین نظام راهنمای جامع‌ی^۱، به‌عنوان یک چارچوب کلان-خرد، برای مواجهه با نیازها و مسائل انسانی در توسعه اجتماعی است.

نظام راهنمای جامع‌ی به ترکیب فرآیندهای نظارت از بالا به پایین و شکل‌گیری توافق از پایین به بالا اشاره دارد. این نظام راهنما در توسعه اجتماعی به‌مثابه نظامی با ارتباطات متقابل شناخته می‌شود که شامل مؤلفه‌های سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، اداره، سازمان‌دهی و ارزیابی است. در بسیاری از کشورهای پیشرو در توسعه اجتماعی، این مؤلفه‌های راهنما، به‌عنوان رشته‌های تخصصی و حرفه‌ای نظیر، تحلیل سیاست اجتماعی، برنامه‌ریزی اجتماعی، اداره امور اجتماعی، سازمان اجتماع و ارزیابی برنامه، سازمان داده می‌شود و هر یک نقش و کارکرد خود را در طرح‌ریزی برای توسعه اجتماعی تعریف می‌کنند. با این حال، در زمینه توسعه اجتماعی، حوزه‌های تخصصی در یک نظام عملکرد حرفه‌ای کنار هم قرار می‌گیرند؛ سیاست اجتماعی به تحلیل و تعیین اهداف، اولویت‌ها و استراتژی‌های توسعه اجتماعی می‌پردازد. برنامه‌ریزی اجتماعی در عملیاتی کردن اهداف اجتماعی شرکت‌جسته و در این راستا دو وظیفه را بازشناسی می‌کند: تعیین هدف و تخصیص منابع. اداره امور اجتماعی با اجرای برنامه‌های اجتماعی سروکار دارد. سازمان‌دهی یا مددکاری اجتماع، توانایی‌های ضروری سازمانی، سیاسی و مدنی برای وارد کردن مردم در تصمیمات و عملکرد مهیا می‌کند، و نهایتاً، بخش ارزیابی، بازخوردهای دیگر اجرا را عرضه خواهد کرد.

منابع

آزاد ارمکی، تقی، مبارکی، مهدی و شهبازی، زهره (۱۳۹۱). «بررسی و شناسایی شاخص‌های کاربردی توسعه اجتماعی (با

- تأکید بر تکنیک دلفی). فصلنامه مطالعات توسعه اجتماعی و فرهنگی. سال اول. شماره یک. صص ۲۳-۱.
- اکبری، غلامرضا (۱۳۷۸). «وضعیت فعلی جامعه ایران با نظر به شاخص‌های توسعه اجتماعی». اولین همایش توسعه اجتماعی. وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- پیران، پرویز (۱۳۸۲). «سیاست اجتماعی، توسعه اجتماعی و ضرورت آن در ایران (نقد و بررسی سند کپنهاگ)». فصلنامه رفاه و برنامه‌ریزی اجتماعی. دوره ۳. شماره ۱۰. صص ۱۵۴-۱۲۱.
- تنهایی، ابوالحسن (۱۳۸۱). «رهیافت جامعه‌شناسی توسعه اجتماعی». مجله علمی و پژوهشی دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان. شماره ۱۱. بهار و تابستان ۱۳۸۱.
- چلبی، مسعود (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی نظم، تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- حریری اکبری، محمد (۱۳۷۸). «توسعه اجتماعی از وبر تا هابرماس». اولین همایش توسعه اجتماعی. وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ریاحی، وحید (۱۳۷۸). «وضعیت فعلی شاخص‌های اجتماعی در روستاهای ایران». اولین همایش توسعه اجتماعی. وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زاهدی، محمدجواد (۱۳۸۶). توسعه و نابرابری. تهران: مازیار.
- سیمبر، رضا (۱۳۷۸). «عدالت اجتماعی و توسعه اجتماعی». اولین همایش توسعه اجتماعی. وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- شمعدانی حق، علی (۱۳۷۸). «ابعاد روش‌شناختی توسعه اجتماعی (شاخص‌های کمی و کیفی)». اولین همایش توسعه اجتماعی. وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبداللهی، محمد (۱۳۷۸). «توسعه اجتماعی از دیدگاه جامعه‌شناسی امروزی». اولین همایش توسعه اجتماعی. وزارت کشور، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- عبداللهی، محمد (۱۳۸۲). «مفهوم توسعه اجتماعی». مجموعه مقالات همایش سیاست‌ها و مدیریت برنامه‌های رشد و توسعه در ایران. صص ۲۰۷-۱۹۵.
- غفاری، غلامرضا و امیدی، رضا (۱۳۸۴). کیفیت زندگی شاخص توسعه اجتماعی. تهران: انتشارات شیرازه.
- کلاتری، صمد و گنجی، محمد (۱۳۸۴). «شاخص‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی در ایران». اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۲۱۱ و ۲۱۲. صص ۱۶۱-۱۴۶.
- کلاتری، عبدالحسین، روشنفکر، پیام و مقدم سلیمی، فرشید (۱۳۹۳). توسعه اجتماعی، چشم‌انداز جهانی و وضعیت ایران. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- گای، دارام و دیگران (۱۳۷۷). «بررسی شاخص‌های انسانی و اجتماعی توسعه». گاهنامه روستا و توسعه. شماره چهارم.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). راه سوم: بازسازی سوسیال دموکراسی. تهران: نشر شیرازه.
- لشکری، محمد (۱۳۷۷). «شاخص‌های رفاه اجتماعی». مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی. شماره ۱۳۱ و ۱۳۲. صص ۲۲۴-۲۱۴.
- نظری، محسن (۱۳۷۷). «مشخصه‌های تحول بازار نیروی کار در چهار دهه اخیر (۱۳۵۷-۱۳۳۵)؛ روندها و پیامدها». مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی. شماره ۱۳۱ و ۱۳۲. صص ۱۷۱-۱۵۸.
- نوبدینا، منیژه (۱۳۸۸). امنیت اجتماعی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ورجواند، پرویز (۱۳۸۶). پیشرفت و توسعه بر بنیاد فرهنگی. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- همتی، فریده (۱۳۸۹). سیاست اجتماعی، نظریات کلاسیک مدرن، پست مدرن و مطالعات مقایسه‌ای. انتشارات جامعه‌شناسان.

- Beckley, T.M.(2000). *Sustainability forWhom? Social Indicators for Forest-dependent Communities in Canada*. SFM Project Report. Edmonton, Alberta: Northern Forestry Centre.
- Bryden. J. (2002). "Rural Development Indicators and Diversity in the European Union". *Introduction and Policy Background*. pp.1-15.
- Colantonio, A. (2008). *Measuring social sustainability: best practice from urban renewal in the EU*. Eiburs working paper series.
- Colantonio, A. (2008). *Social sustainability: a review and critique of traditional versus emerging themes and assessment methods*. published in Horner, M., Price, A., Bebbington, J. and Emmanuel, R., (eds.) SUE-MotConference 2009: Second International Conference on Whole Life Urban Sustainability and its Assessment: conference proceedings. Loughborough : Loughborough University, 2009, pp. 865-885.
- Estes, R. J. (2001). *Social Welfare & Social Development: Partner or Competitor*. university of Pennsylvania.
- European Commission (2001). "A framework for indicators for the economic and social dimension of sustainable agricultural and rural development".
- Hart, M. (1999). *Guide to Sustainable Community Indicators*. Hart Environmental Data, NorthAndover. Second Edition.
- Haynes, D.C., & Mohamed, A. (1999). "Social and Economic Indicators for Montana Counties". *Consumer Interests Annual*. 45: 27-32.
- Jacobs, G., & Cleveland, H. (1999). "Social Development Theory". *International Center for Peace and Development*. [Online]. Available: [http://www. icpd. org/development_theory/SocialDevTheory. htm](http://www.icpd.org/development_theory/SocialDevTheory.htm) (July 7, 2010).
- Johnston, M. (1993). "Social Development as an Anti-Corruption Strategy". *International Anti-Corruption Conference*. November, Canada, Quintana, Roo, Mexico.
- Maclaren, V., Campbell, M., & Dickinson, W. (1994). *Municipal State of the Environment Reporting in Canada: Current Status and Future Needs*. Ottawa: State of the Environment Reporting.
- Malczewski, J. (2006). "Ordered weighted averaging with fuzzy quantifiers: GIS-based multicriteria evaluation for land-usesuitability analysis". *International Journal of Applied Earth Observation and Geo information*. 8(4), 270-277.
- Nancy, R. (2000). "Economic and social development: two sides of the same coin: World summit on social development". *Economic Development and Social Responsibility*. June 30, Geneva, Switzerland.
- Ortiz, R., Walton, H., Taylor, T., Arnold, S., & Markandya, A. (2009). "Accounting Framework for the Assessment of Externalities" In: Helming, K., Wiggering, H. (eds.): SENSOR Report Series4/2009, www.sensor-ip.eu, ZALF, Germany.
- Pepperdine, S. (2002). "Social indicators of rural development community Sustainability :Anexample from the Woody Yaloak Catchment". Department of Goegraphy and environment studies Project Report 34-2000.
- Philips, D. (2006). *Quality of life: concept , policy and practice*. London: Routledge.
- Stiglitz, J. (1999). "Participation and Development: Perspectives from the Comprehensive Development Paradigm". *Review of Development Economics*. Vol. 6. Issue 2. pp.163-182.
- Unicef (2002). The state of the world's children. United Nations Children's Fund. UNICEF.

